

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند
و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار
صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی
ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی
توده های مردم است.

مذاکرات کردستان تجربه ای تازه در پیش روی خلق کرد

سیرجانه، حبس کردستان، فرامخواند ساد
داریم. هورریادهای کوی خراسان - سران
جمهوری اسلامی کدر شیران مذهبی و ملی خلق

خوبین و سیرجانه، خلق کرد و بی تحمل کسه
است. همه ما با ودهای تهدید آمیز را که هشت
حاکم سرمداد و سربران و در حداران ارس،
سپاهیان ساران و همه مردم ایران را به سرکوب

آید که امروز در کردستان بحران عنوان -
کرات "هشت حسن نیت" با رهبران ملی و
مذهبی خلق کرد می گردد. برای هشت حاکم
حامل با حوثا بندی است که سران ما همسازان

بقیه در صفحه ۲

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و استعفای بازرگان

وقتی اراعمال خائنه با زرگان و نظامیان و با جنین برمن و "حسن نیتی"
یا دمی شود و وقتی با این همه سروصدا با زهم عناصری چون جمران - جلاد،
بهشتی و قنط زاده در راه را مورباقی می مانند، آقای با زرگان حقیق
دارد انتظار بیدل عنايت از سوی "امام" را داشته باشد.

صفحه ۱۷

اعلامیه سازمان استقلال زحمتکشان کردستان ایران : مذاکرات هیأت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت

صفحه ۷

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق رفرا ندیم کدائی را تحریم می کنیم

صفحه ۲۳

صفحه ۱۹

صفحه ۱۵

صفحه ۹

- خلقها در سوگ زلزله خراسان
- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۶)
- مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای
- ریاست جمهوری کرده اند؟
- ما و مذاکرات

چشمش گاوگری

تحصن کارگران در وزارت کار

■ کارگران ایرانا (بخش چینی)

حق سود ویژه خود را از
حلقوم سرمایه دارها بیرون
می کشند

■ گزارش تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی

■ کارکنان کشت و صنعت مغان

به مبارزه خود ادامه
می دهند

صفحه ۳

توضیحی درباره

بیانیه اخیر

"کنفرانس وحدت"

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مذاکرات کردستان تجربه‌ای تازه در پیش روی خلق کرد

افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان، نیروهای انقلابی کردستان بدون آنکه از شعارها و خواسته‌های خودیانش آسوده یا روش سازگارانه‌ای درقبال هشت‌حاکمه درپیش گیرند، می‌بایست با شرکت فعالانه در مذاکرات، تسلیع خواسته‌های خلق کردوامشای آنچه رژیم و نیروهای سازگارانه‌اند بر سر آن به توافق رسند، توطئه‌های هشت‌حاکمه و سیاست سکوت یا تسلیفات دروغین او را خنثی سازند. این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جز، به‌جز مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام می‌شود، فراگیر و آگاهانه‌ترین سازشی درخواسته‌های حق طلبانه او را رسی نماید که تا شورت گیرد. و این وظیفه نیروهای انقلابی و روزمنده کرد است که با شرکت در مذاکرات، این

مازهمبتزارش و پاسداران مساعد، و زمانی که شکست در کردستان با اوج گیری مبارزات توده‌ای در سرتاسر سرزمین، رژیم را در بحران سخت قرار داده است، چه راهی جز عقب‌نشینی باقی می‌ماند؟ آری، در چنین شرایطی است که هشت‌حاکمه تن به مذاکرات داده است. رژیم نسلانی می‌کند فعلاً با مذاکره تا حدودی خود را از گردانی که در آن

● شکست مفتضحانه رژیم در کردستان او را به پای میز مذاکره کشانده است.

● شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریاناتی که در آن می‌گذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواسته‌های برحق مردم کرد و افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان.

● این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جز، به‌جز مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام می‌شود فراگیر و آگاهانه‌ترین سازشی درخواسته‌های حق طلبانه او را رسی نماید که تا شورت گیرد.

امیر شده است نجات‌دهنده ناخوال خود در زمانی دیگر، بدست وردهای خلق کرد در مبارزه بر علیه رژیم شاه، و رژیم کبوسی یورش برد و آنها را پس گیرد. بهمان وحشیانه، سر دشت در روز ۱۶ آبان که منجر به ویرانی این شهر و کشتار ۴۰ تن وزخمی شدن دهها نفر از مردم شده است، بهمان راهی که در سرتاسر در زمان مذاکره با مصلح هشت‌حاکمه تن به مذاکرات گرفته است، بخوبی تن رژیم را نشان می‌دهد. رژیم با این عمل در زمانی که شکست خورده است با سرخ کشیدن قدرت خود و بهمان زمان و کودکان در شهر میخواد نشان دهده که از موضع قدرت مذاکره میکند. چنین رژیمی مسلماً اگر قدرت داشته باشد، تن به هیچ مذاکره‌ای نخواهد داد.

یکی دیگر از مفاصدی که رژیم از مذاکرات هشت‌حاکمه با مصلح حسن نیت دنبال میکند، به سازش کشاندن حزب دموکرات و انهدا دملحسی جداگانه با این نیرو در برابر نیروهای انقلابی و روزمندگان مدیق کرد است تا بدین وسیله بتوانند با قبول برخی امتیازات که مسوود تا شید حزب دموکرات قرار گیرد، نیروهای انقلابی خلق کرد را خلع سلاح سازند و از او م مبارزانشان تا رسیدن به خود مختاری واقعی جلو گیرد.

اما آیا آگاهی به مفاصده رژیم از مذاکراتی که در کردستان دنبال میکند و اطمینان به اینکه چنین راه‌حلی بی‌اگر حقوق خلق کرد را بداند با زخوادگر داند، به معنی نفسی شرکت در مذاکرات است؟

شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریاناتی که در آن می‌گذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواسته‌های برحق مردم کرد و

بقیه از صفحه ۱

کرد و شخصیت‌های انقلابی و مبارز کرد را با سده و ضد انقلابی معرفی می‌کند و هر گونه مذاکره با این "فدائیان" را تحریم می‌نمود. در گوشه‌ای باقیست، هنوز برای آبان که توده‌های ناآگاه را بر علیه خلق کرد مسلح می‌کردند و می‌گفتند شما برای جنگ با کتار به کردستان می‌روید، به کوش می‌رسید. و هنوز خون مدحاشن امروز منداگن کرد، چنانچه که فرمان حلجالی جلاد به‌خود، اعدام سیرده‌تند و چه آنها که در سنگرمبارزه‌چان با خنند، خنک‌سند که سخن از مذاکرات وارد حلجالی می‌آید می‌بینان آسیده است. پس چه سده که رژیم کتار بداند در سرتکوب "فدائیان" تحریم طلب "فاطمیت داشت، اینچنین با "نفاهم" و "حسن نیت" به حلجالی می‌آید می‌رسد که کردستان نشسته است؟ و با سخ چیز نیست جز شکست مفتضحانه، قدرت حاکم درقبال مسئله کردستان و عجز و ناتوانی وی از فرونشاندن موج برخورد مبارزه، خلق کرد.

هنوز به ما در آنها جم‌جنا سکا را نه بر علیه خلق کرد نمی‌گذرد. ارتجاع در آغا ز این تنها جم، شما می‌کوش خود را با کتار سرتا بلک که خلق کرد را از دیکر خلق جدا سازد و اخبار این منطقه را از طریق رسانه‌های انحمار می‌سود و از رونه جلوه دهد. اما حقیقت آفتابی است که همیشه در پشت ابر نمی‌ماند.

هیئت حاکمه در آغا ز حمله به کردستان تمام روزنه‌های مترقی و انقلابی را توتیف کرد تا بلکه خلقهای دیگر بر آنچه در کردستان می‌گذرد آگاهی نیابند. هیئت حاکمه در آغا ز حمله به کردستان دفاع و مقاومت را زما نه‌ای کمونیست و انقلابی را نیست تا بلکه با اجاد محدودیت برای انقلابیون مانع از افنا گری و دنساع آنان از آرمان خلق کرد گردد.

اما همان‌طور که دیکتاتور شاه‌خان با تمام سنگینی و خشونت خود نتوانست راه را بر آگاه شدن خلق ببندد. اعمال جدید نیز نتوانست مانع از آگاهی خلقها گردد.

از همان روزهای سخت سازمانه‌های مارکسیست - لنینیست و دیگر سازمانه‌های انقلابی با دفاع از آرمان خلق کرد به انشای جنايات رژیم در کردستان پرداختند و خلقها را بر آنچه در کردستان می‌گذرد آگاه ساختند. از طرف دیگر بسیاری از پاسداران و نظامیان قریب خورده‌زمانی که بجای "پالیربانه‌ها" و "صیونیم" در مقابل خود توده‌های خلق کرد را می‌دیدند و واقعیت را مریی برده و از کردستان با زمی گشتند.

اما آنچه بیشتر از همه هیئت حاکمه و سرتان آثار را وساخت، مقاومت و دلاوری بی‌پایان خلق کرد بود. در طی کمترین زمانه اخیر سرتا بر کردستان به میدان مقاومت و روز و هراسا عت، مقاومت کردید و نشان و نظام هرات در شهرها ادا مدها داشته است. و هر روز قربانی بزرگ جنگ می‌چشم سیاسی برتن ارتجاع فرو داده است. امروز به برکت این دلاوری دیگر از فتوحات چمران جلاد خبری نیست، هر چه هست عقب‌نشینی و شکست

جنبش کارگری



گزارش تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی

کارفرمای کارخانه اعلام کرده بود که کارگران بیکه تاریخ استخدامشان در کارخانه از ۱۵ مرداد به بعد می باشد به حسابداری مراجعه و بنوبه حساب کنند و در هفته گذشته فقط کارگران قدیم را به کارخانه راه می دادند و کارگران جدید که تعدادشان حدوداً صد نفر میشود هر روز از در کارخانه بازگردانده می شدند. این اخراج در وضعیتی صورت میگیرد که کارگران کارخانه خواهان از بین رفتن سدی که فرمانی و احداثی وانی در کارخانه هستند. کارفرما جنسی تعدادی از کارگران قدیم را که به اس عمل مذکوری کارفرما اعتراض نموده بودند به کارخانه راه میدهد. بدین ترتیب کارگران متمم میگردند و در روز چهارشنبه همگی طوی در کارخانه جمع شوند و متمم فطمی بگیرند حتی بوسیله اعلامیه خیرتجمع خود و نیز اعمال مذکوری کارفرما را به گوش کارگران در چند کارخانه دیگر مرسا بدولی چون این اعلامیه در سطح وسیع پخش شده بود تعداد بسیار کمی از کارگران دیگر کارخانه ها برای حمایت آمده بودند. کارفرما زاندام نیز خبر کرده بود. صبح قبل از اینکه تعداد کارگران به اندازه کافی باشد سر و کله یک حزب مستقل به زاندامری بدامی نمود و دو تن از سرشناسان آن در نگهبانی کارخانه مستقر میشوند. امروز مثل روزهای قبل فقط کارگران قدیم را راه میدهد. کارگران بحر تعداد معدودی نمیتوانند حمایت کامل کارگران قدیم را جلب کنند و بطور کلی تسلیع کافی در امور صورت نگرفته بود. ابتدا چند نفر از کارگران قدیم که امکان ورود به کارخانه را داشتند برای همس کار و همگرایی از وقع داخل کارخانه روانه آنها میشوند. در همین گرو و دار یک نفر که خود را نماینده کانون شوراهای معرفی میکرده میان کارگران آمده و از وضعیت آنها پرسش میکند. این شخص از کارگران بی بوسیله که اگر کارفرما ترنسب اثر ندهد کارگران وانی بنصب کمیتری برای تعص را دارند؟ از طرف حزب جمهوری اسلامی نیز فردی آمده بود که البته اوسه میان کارگران شامد و مستخما به دفتر کارفرما رفت. نماینده کانون شوراهای قرار شد نزد کارفرما برود و سالیح صحبتایش را برای کارگران بساورد. در اس فاصله یکی از کارگران کارخانه بح زرس تجربه انتصاب خودشان را در احتیاط کارگران گذاشت. این کارگر پی از شرح اخراج کارگران کارخانه شان و دستگیری و ترب ۸ تن از کارگران. بنصب در صفحه ۲

مهمترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، سازماندهی و تشکیلات است!

گزارشی از تحصن کارگران در وزارت کار

بیمال با نان با قفس میبندیم ای که کارگران و دیلمه های سکار جهت باج کرفتن دربارده خواستهای برای وزارت کار تعیین کرده بودند. روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ ساعت ۹/۵ صبح دهها نفر کارگران و دیلمه های سکار در خانه کارگران اجتماع کرده و منتظر آمدن نماینده وزارت کار شدند. در امروز خندس کارگر خیرایی کردند و منتظر نمایان دربارده و روبرو مشکل بودن تشکیلات دانشی... و همجنس کرفتن "جنس سکاری"، "دلمه جده سمد سکاری" و... بود یعنی از آنها بدرمی می گفتند: بسیار ادرانی کارگران در هر بنده ارجیان ایجاد جیسب ا، غایبی طبقه کارگر است. آنها در حلال مبارزه انسان و در سبب آگاهی در نامه بودند که به سبب سبب سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، تشکیلات و سازماندهی است. این بود که اغلب روی آن ناکند داشتند. ما در سبب خلاصه محان حد کارگر را ذکر می کنیم:

کارگری ضمن بیان خرد گفت: "ما طبقه کارگر همه چیز را دست نگه داریم. کارها در سبب نمیشود."

کارگری از شرکت متو پاک شد مگر و نون رفت و گفت: "من در شرکت متو پاک کار می کردم. همه کارگران ۲۰ روز جنس و ۵ روز اعتصاب غذا کردند ما اینکه امور کارخانه را بدست گرفتیم. روزها کار می کردیم و شبها با سبب می دادیم. ۶ ماه کارخانه در دست ما بود. تولید می کردیم و می فروخیم. ما اینکه کار فرما مبلغ ۳۰۰ هزار تومان به فرما نادر کرج داد و کمک آخوندی که آنجا بود، برای بیان پرونده سازی کرده است. ما مد و یک روز آمدند و همه ما را بیرون ریختند و با مجبوری بیکار شدند. خلاصه به شبها بگویم: بر ما سبب ری ما در سبب است. ما احتیاج به تشکیلات انقلابی خودمان داریم. این تشکیلات بعد از حزب طبقه کارگر است. ما زمانیکه این تشکیلات را نداشته باشیم، هم کرسنگی هست هم بدینی."

کارگر دیگری در سبب گفت: "ما کارگران و دیلمه های سکار جهت باج کرفتن دربارده خواستهای برای وزارت کار تعیین کرده بودند. روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ ساعت ۹/۵ صبح دهها نفر کارگران و دیلمه های سکار در خانه کارگران اجتماع کرده و منتظر آمدن نماینده وزارت کار شدند. در امروز خندس کارگر خیرایی کردند و منتظر نمایان دربارده و روبرو مشکل بودن تشکیلات دانشی... و همجنس کرفتن "جنس سکاری"، "دلمه جده سمد سکاری" و... بود یعنی از آنها بدرمی می گفتند: بسیار ادرانی کارگران در هر بنده ارجیان ایجاد جیسب ا، غایبی طبقه کارگر است. آنها در حلال مبارزه انسان و در سبب آگاهی در نامه بودند که به سبب سبب سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، تشکیلات و سازماندهی است. این بود که اغلب روی آن ناکند داشتند. ما در سبب خلاصه محان حد کارگر را ذکر می کنیم:

کارگری ضمن بیان خرد گفت: "ما طبقه کارگر همه چیز را دست نگه داریم. کارها در سبب نمیشود."

کارگری از شرکت متو پاک شد مگر و نون رفت و گفت: "من در شرکت متو پاک کار می کردم. همه کارگران ۲۰ روز جنس و ۵ روز اعتصاب غذا کردند ما اینکه امور کارخانه را بدست گرفتیم. روزها کار می کردیم و شبها با سبب می دادیم. ۶ ماه کارخانه در دست ما بود. تولید می کردیم و می فروخیم. ما اینکه کار فرما مبلغ ۳۰۰ هزار تومان به فرما نادر کرج داد و کمک آخوندی که آنجا بود، برای بیان پرونده سازی کرده است. ما مد و یک روز آمدند و همه ما را بیرون ریختند و با مجبوری بیکار شدند. خلاصه به شبها بگویم: بر ما سبب ری ما در سبب است. ما احتیاج به تشکیلات انقلابی خودمان داریم. این تشکیلات بعد از حزب طبقه کارگر است. ما زمانیکه این تشکیلات را نداشته باشیم، هم کرسنگی هست هم بدینی."

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیہ از صفحہ قبل
گزارش جمع کا رکران ...

ارکا رگراں برای مذاکره خاصه به طیفه بالا
رفتند و خبرانی درمالی شروع شد. سپس از
مدتی بعد اراکا رگراں، با دستمالی برضون
به نالی آمد و روزه جمعت گفت: "اين سند
جناب دولت ايراني است" از احسان او معلوم
شد كه دنبال اعلام راديو در ساعت ۲ ميني
برهجوم عده‌اي حان بدست (يعني كارگران)
به وزارت كار، عده‌اي فالانزه به كارگري كه
بيرون مالي بوده‌اند، حمله کرده و اجاقو
بندنگز را زخمی کرده‌اند ولي خودشان نيز
بندت كمك خورده‌اند:

پس از اس واقع نمايندگان كارگران
كه با نماينده وزارت كار مشغول مذاكره بودند
او را از طيفه بالا داخل جمعت آورده و گفتند:
"تو بايد با ما مالي، اگر كنش عدم، هجوم مثل
ما" بخاره نماينده، يوزراي رنگ برسيده
با پا ي پله‌ها آمدوكفت: "بخدا من به عده جفا
نفلن زدم، دفترستي اندي... ههكن نيست"
(يوزر با رنجاي حبه‌وري اسلامي به دروغ
اين عمل كارگران را گرگان گيري نام‌گذاشته
است!) .

دروازت كار سركارگران زيادي، حيفت
كردند و اغلب برلرولم ايجاد سكملاست، سديكا،
و اساده‌هاي سراسري را كمند دانستند.

سراخام نماينده‌اي از طرف شوای انقلاب
همراه راتش شهرايي آآمدند و با نمايند ...
كان كارگران بد مذاكره بنشستند.

پس از چند ساعت مذاكره ۲ ساعت ۸ نماينده
شوای انقلاب به ميان جمعت آمد وكفت: "ما
با نماينده‌هاي شما به توافق رسيدم و تا يك
هفته، ديگر به شما جواب مي‌دهم." در اين موقع
يكي از نمايندگان بنش ميكروفن رفت و
فنايما مه، كارگران را كه كامل خواهسته‌هاي
فريمي و اصلي بود فتراشت كرد...

الف - خواهسته‌هاي فريمي

۱- بنگديپ خيسراست ۲ از راديو
۲- از اذكردن كارگري كه ساعت ۲ دسگير
نده‌است.

۳- كنا رفتن آفابائي (فالانزه) كه
مقابل دز وزارت كار اجتماع كرده بودند.

ب - خواهسته‌هاي اصلي

۱- ايجاد كاربراي همه، بيگاران ايران
۲- با ايجاد كار، برداخت حق بيمه، بيگاري
به همه، بيگاران بدون قيد و شرط. (چه آنها كه
دفترچه بيمه دارند و چه آنها كه ندارند)

۳- دفترچه بيمه، درمان ي براي همه (چه
تاغل و چه بيگيار)

اين نماينده انگاه اضافه كرد:

"ما از راديو و تلويزيون مي‌خواهيم كه
خواسته‌اي ما را با ارونه جلوه ندهد. در ضمن
ما براي گرفتن جواب يك هفته مهلت مي‌دهيم."
برنامه اين روز از سازماندهي خوشي
برخوردار سوپ و سخر يكي از نمايندگان كه
رفتماري فرتدي و گاهي محافظه كارانه داشت
پقيه رفتماري نماينده‌اي داشتند.

پيش بسوي ايجاد حزب طيفه، كارگر

کارگر دیگری، شش سون رفت و بسا
طری کیده دیوردیخی از وزاری دولت
با رکان محنت کرد و در جمعی ارشادین
گفت: "ای وریر که متول خودن هم سرورزم
است و هم مردزم، درمن را در کورسان دندیم
دورسوکو خلق کرد و ساج کردن متوالیا و
بوش را سر در "الترا" هکام ملاقات
برزمیگی! ما وریر خارج اشن هم بشار
اینگ مدجنا روزگار داجا یوس متسار
مریکا در ایران زادر وزارت امور خارجه
نگه داشتند، تازه اعلام می کنند که
امور خارجه است. "وی سنا ادهاد: "دوسا
مادر مازده، خود غلبه سرمایه داری حری از
دست خواهم داد. هر رخیسهای دست و پا
اگر اس دولت بخواد بدخواستهای مانده
کند، زیر پای طشه، کارش راه خواهد شد."
درمان خزانها جمعیت شعارنا بیسی
می داد که سنی از آنها را در زیر ملاحظه می کند:
"به گفته، بار رکان، کارگران سیکار
برده اند."
باز رکان سازگار، همکار سرزمیگی
توضیح می داد:
"آمریکا اگر اخراج بشه، کار اگر ایجاد
شده، وعده وعید نون نمی شه"
کارگران با ساعت ۱۱/۲۰ منظر نما بنده
وزارت کار ماندند، چون ساعده سه پشته دیگری
و یواخت همگی بخاطر وزارت کار حرکت کردند
شمارهای آنها چنین بود:
"سلطه، آمریکا بی نابودیا نگیرد."
پسایه ای تلاش می، با آمریکا خونخوار،
الغا، باید کرد.
امیرالیم خونخوار عامل هر ساد است
آمریکا، آمریکا با رنج مانده است.
"کارگر حینکش دمن امیرالیم
بر نایه دار مزدور سوکار امیرالیم"
"آمریکا، ارتجاع عامل هر سیکاری"
"اتحاد، اتحاد، رجمکشان اتحاد"
"اتحاد، اتحاد، غلبه سرمایه دار"
"ون وجه، گرنه صبرش نمی شه"
دولت سرمایه دار حرفش نمی شه
"حقوی بیگاری برای سیکاران
برداخت باید گردد"
"افساد و اینه،
خود عامل بیگاری است"
.....
ساعت ۱۲/۵ جمعیت مقابل در بسته وزارت
کار رسید و با ارتشکنان درودگیری با پادارها
که سحره تیرا پاداران گردید، وارد سالن
شد. در فاصله کونا هسی دیوارهای
مردی سالن با مارک پر از شارد، از
جمله: "مرگ بر مدنی، جلا خلق عرب، مرگ بر
چمران، جلا خلق کرد، پیش سوی اتحاد حزب
طشه، کارگر و...."
میتوان انتظار داشت تا کید داشتند که
همچون در سالن اعلامیه ای پیش نگیرد تنها
رنج افکنان و وسیله ای دست نورد
داخته میسایندگان کارگران همراه چندتن

کارگران کشت و صنعت مغان به مبارزه خود ادامه می دهند

در شماره ۲۹ پیکار گزارش اعتصاب کارگران و کارکنان کشت و صنعت مغان را آوردیم. و دیدیم که وزیر کشاورزی دستور داده بود که کشت و صنعت مزبور باید منحل شود و این دستور و تصمیم مورد پشتیبانی آقای آثورپور مدیرعامل کشت و صنعت (که یکی از افراد حزب توده میباشد) در همکاری با کمیته چپا برعلیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی مضایقه نکرده است). قرار گرفت. ولی اعتصاب یکپارچه کارکنان کشت و صنعت و مواضع سرخپاشان آنها باعث شد که استاندار در مقابل آنها خیرا نخلال کشت و صنعت را انکار کند و زمانیکه کارگران ان بخشنامه وزیر کشاورزی و مدیرعامل را نشان دادند، بد زبان بازی روی آورد و خود را از کارگران و حامی آنها نامدوسه کارگر-ان قول داد که کشت و صنعت مغان منحل نخواهد شد. اما وزیر کشاورزی دوباره دستور انحلال کشت و صنعت را صادر میکند و قول اهدای زمینهای زیادی را به فئودالهای منطقه نیز میدهد. مثلاً به "کوتار سگ" که یکی از فئودالهای بزرگ منطقه و از سر-سیردگان رژیم مغفور پهلوی بود و اکنون مدافع جمهوری اسلامی شده است. قول بیش از یکصد هکتار زمین را داده که البته با اعتراضات و روسرو گشته و خواهان زمین-

بیشتری میشود. کارگران در مقابل دستپور مجدد وزیر بخش آمده و تهدید میکنند که به هیچوجه عقب نشینی نکرده و اجازه نخواهند داد که انحلال کشت و صنعت صورت واقعبست بخود بگیرد. آثورپور مدیرعامل کشت و صنعت مغان میگوید که خشم کارگران و کارمندان را فرونشاند و دستور وزیر کشاورزی را بنوعی توجیه کند ولی بیشتر بدان دامن میزند و خود را در برابر اعتراضات و افشاکریهای کارگران خلق سلاح و زیون می بیند و در جلسه ای که با نمایندگان کارکنان مگردرتحت فشار آنها قول میدهد که به تهران برود و از انحلال کشت و صنعت مغان جلوگیری کند! اکنون وزیر کشاورزی برکنار شده و فعلاً انحلال کشت و صنعت منتهی شده و وزیر جدید کشاورزی هم اقدامی نکرده است. ولی آنچه از هم اکنون مسلم است اینست که با توجیهی وزیر، مدیرعامل، رئیس و... وقتی که رژیم حامی سرمایه داران و برعلیه کارگر-ان است، کاری سخت کارگران و زمینکنان صورت نمگیرد. و سراسر هر تغییر و تبدیلی هم صورت گیرد در چهارچوب نظام سرمایه داری انجام میشود و سلام سرمایه-داری در مقابل طبقه کارگر و دیگر زمینکنان قرار دارد و دشمن آنهاست.

پیروزیاد مبارزه کارگران برعلیه سرمایه داران

کارگران ایرانا (بخش چینی) حق سود ویژه خود را از حلقوم سرمایه دارها بیرون می کشند

در این کارخانه حدود ۱۷۰۰ کارگریست شیفنی استثمار میشوند. این کارخانه در حال حاضر دولت شده و مدیران از طرف سنیسا د مستقیم انتخاب شده است. با اینکه ۱۵ ماه را آغاز نیمه دوم امسال می گذرد. و با اینکه بخش چینی این کارخانه حتی در روزهای قیام دم تعطیلی نداشته است و تولید امسال در سطح سالهای قبل بوده. آری با توجه به اینکه هیچکدام از پهنه های که معمولاً از طرف دولت و سرمایه داران آورده میشود در مورد این کارخانه درست نبوده است. ولی مدیر کارخانه همچنان ازدادن سود ویژه که چیزی جز قسمتی از مزد کارگران نیست. (قسمتی از مزد کار-فرما پیش خود نگه می دارد و یکبار به کارگر میدهد) خودداری می کرد و به آنها وعده و وعید میداد.

کارگران برای تسلیم مدیر کارخانه تصمیم به مبارزه می گیرند و ساعت ۱۰ صبح روز ۸/۸، مبارزه خود را آغاز میکنند. پیشروان

این مبارزه کارگران قسمت "لعب چینی" بود که به تدریج دیگر کارگران را نیز بسوی خود جلب میکنند. برای مقابله با حق طلبی کارگران نخست "عسکریانی"، رئیس شورای فلابی کارخانه و "عقلی" که به اصطلاح یکی از نمایندگان کارخانه است، کارگران را تهدید میکنند ولی کارگران به تهدیدهای آنها توجهی ننموده و با پیشنهاد آنها که میگفتند ۵-۶ نفر نماینده برای مذاکره انتخاب کنند مخالفت میکنند. و دسته جمعی بطرف اطاق مدیر میروند. کارگران که نخست ۲۰ نفر بودند اکنون با راهپیمایی در قسمت های مختلف حدود ۳۰۰ نفر شده بودند. مدیر کارخانه پس از مقاری عوام فریبی از آنها تا فردا ساعت ۱۱ صبح مهلت میگیرد. و کارگران نیز تا فردا صبر میکنند.

یک نکته در مورد مبارزه روز ۸/۸، با اینکه در این روز کارگران (قسمت لعب چینی) با راهپیمایی در قسمتهای مختلف

نواستند کارگران دیگر را نیز به مبارزه بکشند (ناکتیک سربازگیری). ولی این عمل کارگران قسمت "لعب چینی" فردی بود که که فیلاً تصمیم خود را به اعتبار به کارگران دیگر قسمتها اطلاع نداده بود و کارنوضیحی لازم در این مورد نشده بود.

فردای آروز: در ساعت ۱۱ صبح مدیر به کارگران اطلاع میدهد که ساعت ۲ بیاید. ساعت ۲ حدود ۵۰۰ نفر کارگران جمع میشوند (کارخانه شیفتی است) و منتظر مدیر می مانند. در این موقع جنم کارگران به یک نامه با این مطلب می-امتنده: "تمام قراردادهای راجع به سود ویژه نوشته شده و آماده امضاء است. ولی چون عده ای از نمایندگان سوراخا طرا بنکه کارگران قولشان ندادند از امضای قرار داد امتناع می ورزند. لذا لازم است که منتظر انتخابات جدید شورا بود."

این پهنه جدید حتم کارگران را افزون-تر میکند. و آنها مدیر کارخانه را با شعار "مرگ سرمایه دار" به میان خود می آورند. او که وحشت زده بود. به کارگران می گوید: اگر سودی می خواهید باید به شورا رای اعتماد دهید. و با اینکه با پستی انتخابات تجدید شود (که در این صورت پرداخت سود عقب می افتاد) بدین ترتیب معلوم میشود که "شورای فلابی" و مدیر منتخب "بنیاد مستقیم" شانی کرده-اند که با استغاده این موقعیت جابجای شورا را محکم کنند. اما کارگران زیر بار این زورگوشی نمی روند و مدیر را تهدید میکنند که مانع از بیرون رفتن تولید خواهد شد. و با این تصمیم با توجه به پایان شیفت به مبارزه آروز خودنیرپا می دهند.

شنبه ۸/۱۹- جلوگیری از خروج تولید: کارگران برای خنثی کردن نقشه مدیر کارخانه وقتاً به ادا مکارشورا تن میدهند و شورا نیز که مقاومت بیش از این راه ضرر خود می دید تا هر آبا کارگران را همراهی نشان می-دهد. کارگران برای تسلیم مدیر کارخانه، از بارگیری کامیون ها جلوگیری میکنند... و مبارزه کارگران بالاخره نمره خود را میدهد. و سازمان روزیکشنبه ۵۸/۸/۲۰ مدیر کارخانه تسلیم میشود و فعلاً ۶/۵ میلیون تومان سود ویژه را بین ۱۷۰۰ کارگر تقسیم میکند (که بطور متوسط برای هر کارگر حدود ۳۸۰۰ تومان میرسد).

حالت توجه است که مبارزه کارگران برای گرفتن سود ویژه خشم شورزاده (سما بنده بنیاد مستقیم در کارخانه) را برانگیخته و کسانی را که برای گرفتن سود، کارگران را تشویق به مبارزه می کردند، طی یک اعلامیه ای که در سنی قسمتها نصب شده بود، آمریکائی و ساواکی قلمداد کرده بود!

فان ، مسکن ، آزادی

با افشا و تحریم تظاهرات، اجتماعات و شوراهاى فرمايشى ضد انقلاب را منفرد سازيم

چماق بدستان رژيم شاه در مجلس خبرگان !!

اخيرا اعلاميه‌اى از طرف كسبه و بازاريان مريوان انتشار يافته كه در زير قسمتهاى آن را مى‌آوريم:

اخيرا روزها كجى از اينست كه جاشيهاى مريوان در مجلس خبرگان منحصن شده و جاشيهاى هائى به دولت و شوراى انقلاب داده‌اند. اين افراد كه مركب از فتوداران، سرمايه‌داران، رباخواران و سوكران وابسته به اينستگان مى‌باشند، بدون استثناء از رديگان و همكاران ساواك بوده و بيشتر ما مورث آنها از طرف ساواك، گردش در روستاها و تبليغ به نفع شاه و تحريك كشاورزان براهى حمله به مخالفين رژيم شاه بوده‌است.

بعد از قيام، سياه به اصطلاح انقلاب در مريوان اراين جاشيها تشكيل مي‌گردد كه تظاهرات پانزده هزار نفرى مردم را در تارايخ ۵۸/۴/۳ به گلوله مي‌بندند و به نعره رايه شهادت رسانده و عده زيادى را زخمى مي‌كنند. پس از اين واقعه تعدادى از آنان فرار شده و در شهرهاى مختلف به توطئه عليه خلق كرد مى‌پردازند. از جمله يكي از اين جاشيها به نام "فتح بيك حيدري" در شهران در تجمع مردمى كه عليه خلق كرد تحريك شده بودند، مي‌گفت: "بايد دولت همه آنها را قتل عام كند....". سرانجام جاشيها در زير سياه، تنگ پاين داران به مريوان برگشته و شروع به اذيت و آزار و دستگيرى افراد مي‌نمايد كه بيا معرفى آنها ۹ نفرينگانه بدون محاكمه و پس از تشنگه اعدام مي‌شوند.

ما ممرانه از شوراى انقلاب و سايبر مقامات مشول مي‌خواهم اين جاشيها را دستگير كرده و جهت محاكمه در برابر مردم مريوان به ما بسپارند، تا اينكه از آنها حمايت كرده و اجازه دهند عنوان تحمى سر خود نهاده و بارسانه‌هاى گروهى شامى‌گيرند و بعنوان مردم مصلحان مريوان صحبت كنند. ما قسمتهاى از اعلاميه كسبه مريوان را آورديم، آنها در آغوش شوراى انقلاب و مقامات مشول انتظار را دارند اما توده‌ها هر روز آگاه‌تر و آگاه‌تر مي‌شوند و درك مي‌كنند كه از اينان معجزه‌اى بر نمي‌آيد كه هيچ، بلكه اينان پشتيان همان فتودالها و مزدورهاي مطلقى‌اند.

گردد، آموزش را بگان ايجاد بايد كرد و فعاليت سياسى آزادبايد گردد/ محل كژدم آزادبايد كژدم/ شوراهاى واقعى ايجادبايد گردد. شروع به راه هميشه‌اى مي‌كنند. جلال تل زعتر، جلال خلق ماشد/ انزلى، كردستان، پيوندتان مبارك / زندانى سياسى آزادبايد گردد ■

ميكردند كه در راهيماشى شركت كنند. كارگرى ميگفت: در كارگاه نشسته بوديم كه كمينه‌چيها آمدند و گفتند ما دستم شما كمونيست و عداقلاب هست. عوامل حزب توده و سازمان انقلابى نيز مثل تمام تظاهرات فرمايشى ديگر با شركت در آن، كاسه لسي خود را مست به هيئت حاكمه و سربريدگان آن ثابت ميكردند. شعار تظاهرات عبارت بود از:

"فرمان خميني، اعتصاب حرام است"
"الام پيرو است، كمونيست باود است"
و... تظاهرات از محوطه كارخانه خارج شده و بعد از برگشتن از ميدان كارگر، در جلو اداره مركزي، با شمارو محكوم كردن تحمى و اعتصاب، قطعنامه‌ايكه از طرف كمته سببه شده بود، خوانده شد. در اين قطعنامه هرگونه تحمى و اعتصاب محكوم شده و به "عواميل معدودى" كه اعلاميه‌ها را صادر كرده بودند گفته شده بود كه كاركان فيم نمي‌خواهند! (بندهاى ۲ و ۵ قطعنامه) و آنها را رسوا خواهند كرد (بنده ۶). همچنين به عده معدودى كه با كاركنى در قسمتهاى حامين باعث تارايه حتى كاركان ميشوند، تارايه داده (بنده ۷) و خواستار تحمى شورا از اين عوامل شده بودند (بنده ۸). ■

دانش آموزان اعتراض مي‌كنند و در حياط مدرسه مي‌مانند و پس از خواندن مقاله‌اى توسط يكي از آنها در باره وضعيت هنرجوها خواستار آزادى زندانيان هنرجو ميشوند و سپس با شعار از معلمها مي‌خواهند كه با آنها همراهى كنند. در پاسخ به نكدهاى دانش آموزان كليبه دبيراها (بجز دونفر) از كلاها خارج ميشوند. دانش آموزان به دادن شعار هائى چون هنرجوى زندانى آزاد بايد گردد، فرهنگ استعماري نابود بايد گردد، هنرجو در بند است، ساواكي آزاد است، مي‌پردازند...

رشت

گزارش راهيماشى دانش آموزان يكشنبه ۱۳ آبان ۵۸ (شنبه سرخ) رشت هزاران تن از دانش آموزان مدارس مختلف رشت در ساعت ۹ صبح در محل اداره آموزش و پرورش شهرستان رشت گرد هم آمده و با شعارهاى: اتحاد، اتحاد، محطمين اتحاد / مدارس خصوصى بنگاه سرمايه دار، نابودبايد

همزمان با تظاهرات فرمايشى بر عليه تحمى هنرجويان و در شانده حمله حيره جوا- ران اسنادارى به آنها. در سراسر عا صير مرتجع و مذاكره، در ماشى سارى سسر تظاهراتى سراه انداختند.

سياه به تظاهرات اراين سوار بود كه اعلاميه‌اى از سوى كاركان ماشى سارى بخت شده بود مسمى براسكه اگر به جاشيهاى كارگران رسيدگى نشود، تحمى و اعتصاب خواهد كرد. (اعلاميه ۱۳ آبان) (از مضمى اعلاميه و جاشيهاى آن خبرى در دست نيست) اكبريور دبير شوراى ماشى سارى كه در كارخانجات خود را سياهه كارگران آذر - سايجان! و گاهى سياهه اسنادارو... معرفى مي‌كند و از جيره‌هاى مذاكره و مرتجع ميماند، روز شنبه ۵۸/۸/۸ ساعت ۱۰ توسط بلندگوكاركان را دعوت برا هميشه‌اى در محوطه كارخانه مي‌كند. اكثر كاركان به اين راهيماشى سميروندولى توسط افراد كمته كارخانه تهديد شده و مذاقلاشى خواهده مي- شوند كه بنا جارجده‌اى از آنها در كنار صف راه مي‌افتند. چند نفر هم توسط ماشينى در محوطه كارخانه مي‌گشتند و از كاركانى كه در محوطه بودند مي‌خواستند كه در راهيماشى شركت كنند. كمته چيها وفا لائزها بهر جاي كارخانه سريمي‌گشتند و كاركان را تهديد

بقيه از صفحه ۱۱

تبريز

چند گزارش مفصل از تظاهرات و تحمى دانش آموزان "حوريه بازگان" (كورش كبيسر سابق) بدست ما رسده است كه توجه شما را به خلاصه‌اى از آنها جلب مي‌كنيم:

دانش آموزان دبيران حوريه بازگان از روز ۲۷ آبان تحمى اختيار مي‌كنند. برخى از خواسته‌هاى آنان به بدتقرار است: آزادى هنرجويان زندانى - برقرارى كنكور اختصاى سراه رشته اقتصاد...

در روز شنبه ۱۳ آبان پس از اينكه رنگ كلاس مي‌خورد و دانش آموزان از رفتن به كلاس خوددارى مي‌كنند مدير از آنها مي‌خواهد كه بگلاس بروند و در هر كلاس يك نماينده انتخاب كرده و براى مذاكره با او بفرستند كه با مخالفت دانش آموزان روبرو ميشود. آنها ميگويند نمايندگان ما مدتهاست كه انتخاب شده‌اند و اگر مي‌خواهد مذاكره كنيد با بدبا آنها مذاكره نمايد، ولى مدير ميگويد آن نمايندگان مورد قبول ما نيستند

برقرار باد خود مختارى خلقها در چهارچوب ايرانى مستقل و دموكراتيك

اخباری از: کردستان قهرمان

مذاکرات هیأت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!؟

● سردشت در اثر بمباران به ویرانه‌ای تبدیل شده ● ارتش ضد خلقی، حزب دمکرات و مردم قهرمان سردشت

و حتی مردم شهر از پیشمرگهای کومله‌خوار استند که برای دفاع از مردم، وارد شهر شوند. به‌اسن دلیل یعنی برای کمک به مردم در مقابل ارتش و پاداران، عده‌ای کمی از پیشمرگان ما وارد شهر شدند (هرچند که دست زدن به یک نبرد جدی با پادگان را از داخل شهر اشتباه می‌دانستند. زیرا چنین نبردی بجای پیروزی سریع و کامل بردشمن، سبب می‌شد نیروهای پاداروار ارتش، که در جنگ فرقی بین پیشمرگها و مردم عسادی قائل نمی‌شوند، به قتل عام مردم دست بزنند) هنگام ورود پیشمرگان ما با شهری که یکبارچه آتش شده بود روبه‌رو گشتند. پادگان از رهبر و با توپ و خمپاره و اسلحه‌های مرگبار و بیرانگر، خانه‌های مکونی و محلات پیرمست آمد شهر را مورد حمله و حمله فرار داده بود ترس نیروهای داخل پادگان و مناطق استراتژیک اطراف شهر از حمله پیشمرگها برای وحشتگری آنها افزوده بود. این ترس بعدی رسیده بود که هر کدام از ارتشیان و پاداران، دیگری را متهم می‌کرد و هر کس در فکر تسلیم خود نبود، با نگاه زبط نزدیک شهر درشت، خود را تسلیم پیشمرگان سازمان رزمندگان و حزب دمکرات نمود. در این حال پادگان پیشنها داشت پس کرد.

حزب دمکرات نمی‌توانست ابتدا کاری کند که در شهر با پادگان وارد جنگ شود، اما در این حال که جنگ به ضرورت شروع شده و ارتش و پاداران، مردم را قتل عام میکردند و در ضمن روحیه خود را نیز باخته بودند، قبول آتش پس از طرف پیشمرگها اشتباه بود. و حزب دمکرات نیز می‌توانست به پیشنهاد آتش پس بدهد و نه آتش پس را قبول نماید. اما مسئولین حزب در اینجا سر دومین اشتباه خود را مرتکب شدند و آتش پس را قبول کردند.

ارتش و پاداران با استفاده از این فرصت، از خارج پادگان کمک دریافت کرده، روحیه‌شان نیز تقویت شد و نقشه حمله و حشیانه و فاشیستی خود را به مناطق مکونی و زینا و بچه ها و کودکان شیرخوار و مردم سیدماح تنظیم نمودند. ما به نیروهای خود دستور دادیم که به پیشنهاد آتش پس رد بماند و حمله گرا به دشمن توجیهی ننموده و سروی دشمن آتش نکند. در چند نقطه که پیشمرگهای ما دست بکار شدند مسئولین حزبی مانع مانده و حتی تهدید کردند که بروی ما آتش می‌کشد!

با چه کسی طرف گفتگو بوده است، بدون رعایت کردن هیچکدام از شرایط مقدماتی پیشنهاد شده از طرف شیخ عزالدین حسینی (که مورد قبول سازمان ما هم بوده است)، خواستند موجب تفرقه بین صفوف مردم و پیشمرگان شده و شکست های خود را جبران کنند. اما در همین حال با نشان دادن چهره کرب و فاشیستی خود با پاداران با نه و سپس سردشت، اینبار رهبر شمرشان به سنگ خورد. آنها از پیشمرگان ضربه های سخت دیگری خوردند و برای حصران شکست، با حواستردانه به قتل عام زن و کودک و بیسرو جوان مردم سردشت دست زدند و شهر سردشت را سده از پادانه، به ویرانه‌ای تبدیل نمودند.

کمینه مرکزی حزب دمکرات در این هنگام بجای اینکه بشناید و هر زمان دیگری در فکر وحدت عمل با سایر نیروهای سیاسی موجود در کردستان باشد تا هشت حاکمه از اختلافات درون جنبش سوءاستفاده نکند، بیشتر درسی این بود که با استفاده از موقعیت و شرایط شهر، به تنشهایی برای همزمدا کرده برود. و بجای اینکه هدف دولت را از مذاکره برای مردم روشن سازد و ماهیت رژیم و عوامفریسی های آن را افشا نماید، به "حسن نیت" رژیم امید بسته و به شعار "ارتش برادرانست" روی آورد اما دوطرفه انحرافی حزب یعنی اولاً کوشش برای قبولاندن خود به دولت بعنوان تنها نیروی سیاسی و ثانیاً باور کردن حسن نیت دولت و عدم موضعگیری در مقابل آن نتایج غلط و مضر خود را در واقع، سردشت را آورد و خود حزب نیز به هدف مورد نظرش نرسید.

شب ۵۸/۸/۱۱ پیشمرگهای کومله‌گرا برای انجام عملیاتی به شهر آمده بودند، برای حمله به شهر بانی سردشت، که آنها و پاداران در آن مستقر بوده و حزب دمکرات می‌خواست به تنشهایی به این کار دست بزند. به مسئولین حزب پیشنهاد همکاری دادند اما آنها به پیروی از همان سیاستی که به آن اشاره کردیم از همکاری امتناع ورزیدند. پیشمرگهای ما بعد از عملیات و زدن چند هربزه به پادگان، شهر را ترک کردند. صبح زود خبر رسید که حزب دمکرات شهر بانی را تصرف کرده پس از آن خبر به آن اضافه گشت که جنگ خوشی بین ارتش و پاداران از یک طرف و مردم شهر و پیشمرگها از طرف دیگر، درگیر شده. هوا داران سازمان ما

در حالیکه رادیوی دولتی خبر می‌داد که داریوش فروهر با نمایندگان خلق کرد در محیط "دوستانه‌ای" سرگرم مذاکره است، هنگامیکه ابوشرف فرمانده عملیاتی سیاه پاداران در باره کردستان به دروغ اعلام می‌داشت که: "وضع روسیه بسیار است و اصولاً سیاه پاداران مدت یک ماه و نیم است که عملیات خود را در آن منطقه متوقف کرده است و پس از توقف عملیات سیاه، ارتش نیز عملیات نظامی خود را متوقف کرده و مذاکرات سیاسی ادامه دارد" (اطلاعات یکشنبه ۲۰ آبان ماه) ارتش ضد خلقی و پاداران با سلاحهای آمریکایی، از زمین و هوا مشغول کشتار مردم قهرمان سردشت بودند و با پاداران سردشت و دهات اطراف آن، شهر را به ویرانه‌ای تبدیل کردند تا به این ترتیب خلق قهرمان کرد را محبوس به تسلیم نمایند! گزارش زیر که از خبرنگار ما، شماره ۲ س. ا. زک. ا. (کومله‌گرا) نقل شده، گوشه‌هایی از عملکردها و حشیای ارتش ضد خلقی را در سردشت نشان می‌دهد و در عین حال حزب دمکرات را که این ارتش ضد خلقی را برادر می‌خواند و می‌گوشت که با کمابش ازانی از هشت حاکمه جنبش خلق کرد را به سازش بکشد، با اشاره نمودهای مشخص افشا می‌کند:

مذاکرات هیئت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!؟

حکومت جمهوری اسلامی درست هنگامیکه دم از حل مسالمت آمیز مسئله کردستان می‌زند و درست هنگامیکه سفارت آمریکا را اشغال می‌نماید به وحشیانه ترس شکل ممکن به کشتار مردم سردشت دست می‌زند.

سفارت آمریکا را اشغال می‌کند و در همان حال فاشیستهای جمهوری اسلامی در تمام ساعات شب و روز حتی در ساعات بعد از توقف شب‌دهات کردستان را بمباران می‌کنند.

رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی جزئیات هر حرکت دانشجویان را در سفارت آمریکا منعکس می‌کند، اما صدای بمبارانهای هواپیما ها در سردشت، کردستان را کمی نمی‌شنود.

نمونه این کشتار و اس قتل عام وسیع مردم سردشت را فقط می‌توان در پاداران های ارتش اشغالگر آمریکا در مورد شهرهای ویتنام دید.

بدنبال شکستهای مفتضحانه‌ای که نیرو های ارتش و پاداران از پیشمرگان کردستان خوردند، دولت جمهوری اسلامی خواست که چهره جنگ طلب خود را بیوشاند. این بود که با صحبت از مذاکره و فرستادن هیئتی که معلوم نیست

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

و خسارت سنگینی بدشمن وارد کردیم و بدون هیچ تلفاتی شهر را به آرا می زیرگمار و بمباران پادگان و فانتوم ها ترک کردیم .

این بود شرح مختصر واقعه خوشن سدرشت که نیروهای ددمش رژیم حدود ۴۰ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کردند و شهری ویران و مردمی آواره ازورش فاشستی خود سیادگار گذاشتند .

این استارشی برادر! ارشی که دارد سیاست سرزمین سوخته را در مورد کردستان به اجرا می گذارد و می خواهد با بمباران و تیراندازی شبانه روزی به شهرها، قسبات و دهات، مردم و انقلابیون را به راسو در آورد. حششی وقتی که مردم آواره، سدرشت! زشیر حصار می شدند و به دهات اطراف شهر و باغ و بسته ها پناه می بردند، علاوه بر اینکه آتور را فانتوم و هلی کوپتر مردم را بمباران می کرد، شب همان روز تا صبح با فانتوم و توپ دهات اطراف را می کوبید. هنگامیکه تعداد کمی از نیروهای اشغالگر بدست پیشرگان کشته می شوند، رژیم ضد خلقی با سوتی و کرنا از حمله، "ناجوانمردانه" پیشرگها دم می زند. اما هنگامیکه خود سا استفاده از تمام سلاحهای آمریکائی و شاتام قوا به کشتار پیرو مردان، زنان و کودکان میسر - خوار دست میزند و همه جا را بمباران کرده و هر هگداری را به آتش هلی کوپتر می بندد، حششی کوچکترین خبری از این جنایات بشمار خود را به اطلاع مردم نمی رساند. هنگام بمباران و هدیه، آتش و خون به مردم، زمانی که دارا سوش فروهر در پادگان سدرشت بود، بشمارا به از رادیوی دولتی خبر می دهد که دارا سوش و پروها نمایندگان مردم سدرشت (الندبا حاشا!) در محیط دستانه ای "سرگرم مذاکره است، در حالیکه خود آقای دارا سوش فروهر می داند در آن حال کسی در شهر نمانده بود تا با ایشان به ضیافت نام مشغول شود. ■

سدرشت

در مذاکراتی که شت ۵۸/۷/۲۶ بین هیئت نمایندگی خلق کرد به راست شیخ عزالدین حسینی و هیئت نمایندگی دولت به راست دارا سوش فروهر بعمل آمد، شیخ عزالدین حسینی و سایر اعضای هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام داشتند که در هر مذاکره، اساسی، با یمنی نمایندگان نیروها و حزب سیاسی کردستان شرکت داشته باشند.

برخی از خواسته های حداقل جهت ایجاد فضای مساعد برای مذاکرات اساسی که از طرف هیئت نمایندگی خلق کرد مطرح شده به این صورت بود:

۱- آزادیهای دمکراتیک در سران بران اعاده و از اجازات و مطبوعات رفع توقیف گردد.

۲- سپاه پاداران در کردستان منحل و به محلهای خود فراخوانده شوند.

۳- در هر مذاکره ای قطعنامه های ۸ ماده ای می باید و شنند ملاک قرار گیرد.

(با استفاده از اطلاعیه، مورخ

۵۸/۷/۲۷ س. ۱، ز. ۱، گ. ۱)

رسانده و روی هتلیر و محمد رضا شاه را شنید کردند و ثابت نمودند که ناگردان خلف این جلادان هستند.

ساعت ۱ بعد از ظهر در بلندگوها اعلام کردند که "مردم! به پادگان و مسجد بروید! می خواهیم شهر را از زمین و هوا به آتش بکنیم!" هر چند عده ای قریب جاشائی نظیر حجاج علیپور را خورده و دستور بلندگو را اجرا کردند اما اکثریت مردم مبارز سدرشت از شهر بیرون رفته و عده ای به زیر زمینها پناه بردند.

ساعت ۲ بعد از ظهر چهار هلی کوپتر و دو فانتوم هماهنگ با پادگان تا غرب آفتاب شهر را بمباران و به آتش کشیدند.

شهر به ویرانه های شدید شد. مدارس را بمباران کردند. خانه ها را به توپ بستند، مردم را زیر گمار مسلسل گرفتند. صدای شون و زاری کودکان و بیتیمان و مادران داغیده به رندهای قطعه قطعه شده و له گشته، بدران و سرادران و فرزندان شان در فضای پرا ز آتش و دود و وحشت شهر می پیچید و خونه های خشم و غریب را این دژ خیمان خون آثام را به آتشی تبدیل می کرد که کاج ظلم و خو خوار می حکام مدخلی را در آینده ای نه چندان دور سوزاند و برای همیشه نابود کند.

عده ای از پیشرگان حزب دمکرات دستور فرماندهان نشان از شهر بیرون رفتند. البته تا آن وقت چند نفر از آنان شهید شده بودند. پیشرگهای سازمان زمینکنان بعد از اینکه دیدند شهر تقریباً آرسکه خالی شده تصمیم گرفتند با تمام نیروی که در شهر داشتند ضربه خود را به پادگان وارد کرده و سپس خاطر جلوگیری از قتل عام بیشتر مردم و حمله، متحد به دشمن اشغالگر شهر را ترک کرده و عقب نشینی کنند. در این حال دسته ای از پیشرگهای حزب دمکرات نیز با ما همکاری کرده و پادگان را سا آر - پی - جی و بازو کار ستر آتش گرفته و تلفات

در این شرایط ما دیدیم بجای اینکه دشمن مشترک را بکوشیم ممکنست در دام جنگ برادر کشی بیفتیم که بهیچوجه خواستار آن نیستیم، تصمیم گرفتیم که فعلاً از ضربه زدن به دشمن مرمض نظر نماییم.

از صبح روز ۵۸/۸/۱۲ تا حدود ساعت ۲ بعد از ظهر نیروهای ارتش و پادار، شهر را زیر آتش ویرانگر و مردم کش خود گرفته و با توپ و خمپاره دهها نفر از مردم را به قتل رسانده و خانه های بسیاری را بر سر خاکتین آن خراب کردند. حال توجه اینست که با اینکه در این حال پیشرگها بهیچوجه بطرف پادگان تیراندازی نمی کردند اما چون سنگرهای ارتش، مستقر سربلند بهای "گرده سور" - دجا رکمود مواد غذایی شده بود، پادگان بیشتر مانده تقاضای رعایت! آتش بی نمود و فرمانده، فاشست پادگان حمله گراندها می کرد که ارتش دخالت نمی کند و این پاداران انقلاب اسلامی! هستند که مردم را قتل عام می نمایند. در حالیکه همه می دانستند هیچکس غیر از ارتشیان، چنین دقیق و وحشانه خانه ها، کوچه ها و خیابانها را نشانه گیری نمی کند. این ادعای فرمانده تنها بدین خاطر بود که بتواند مواد غذایی لازم را به نیروهای خود رسانده و بقول مردم آنها را برای کشتار مردم بی دفاع فربه نماید! حزب سوسن اشنا خود را مرتکب شده و با بدامطلاح آتش بی و فرستادن مواد غذایی برای "گرده سور" موافقت نمود.

مردم با تمام وجود مخالفان گیار بودند و استدلال می کردند ما نباید به دشمنی رحم کنیم که این چنین وحشیانه، به هیچکس حتی پیرو مردان و زنان و کودکان تیر رحم نمی کنند. این مخالفت با لا می گرفت و در حال تبدیل شدن به یک قیام بود ولی مسئولین حزبی به مردم قول دادند که این دستور حزب است و آتش بیس باید رعایت شود. ما نیز با این کار مخالفت کردیم اما مانند دمه، قبل بخاطر جلوگیری از برخورد در مخالفت خود با فشاری ننمودیم. در نتیجه چند ما شین مواد غذایی راه افتاد و در اختیار دشمن قرار گرفت. شب ۵۸/۸/۱۲ پادگان از آتشی موجود برای تقویت خود استفاده نمود. همان شب ما تصمیم گرفتیم - به خاطر غلط بودن شیوه جنگ از یک طرف و اصرار حزب در آتش بی از طرف دیگر - تعداد کمی از نیروهای خود را در شهر نگه داشته و نیروهای ذخیره و کمکی را در خارج شهر بحال آماده باش در آوریم. به گذاشتن عده ای از نیروها - بمان بدین خاطر بود که مردم نمی خواستند پیشرگهای کومه له و مسئولین آنها از شهر خارج شوند و وجود نیروی برای جلوگیری از هجوم ارتشیان و پاداران به مردم بی دفاع لازم بود. غمنا به مسئولین حزب توصیه کردیم که قریب آتش بیس را نخورند ولی آنها به توصیه ما توجهی ننمودند.

صبح ۵۸/۸/۱۳ افراد پادگان شروع به کوبیدن شهر نموده و تا ظهر بوسیله، توپ و خمپاره و انواع سلاحهای سنگین دهها نفر از اهالی سدرشت، زنان و کودکان شیرخوار را کشتند و حتی سگها و گربه ها را نیز به هلاکت



ما و مذاکرات

موضع سازمان انقلابی زحمتکشان

کردستان ایران
(کومه‌له)

درباره مذاکرات

موضع ما در برابر مذاکرات

ما با آگاهی برای ریزش رژیم از موضع ضعف حاضر به گفتگو با خلق کرده و آگاهی برای ریزش رژیم از موضع ریاکارانه در جستجوی راه‌های بی‌شرعی و نفرت‌اندازی و کشیدن ماسک ملج‌طلبی بر روی چهره، فاشیستی خود می‌باشد، برای خنثی کردن نقشه‌های وی در شرایط مشخص کنونی حاضر به مذاکره هستیم. ما نه تنها حاضر به مذاکره هستیم، بلکه بعنوان یک سازمان سیاسی انقلابی که دارای سابقه مبارزه ده ساله بر علیه رژیم پهلوی بود و در طول جنبش انقلابی و ضد استبدادی و در جریان قیام‌ها و لایحه شرکت کرده ایم، بعنوان یک سازمان انقلابی که دارای پایگاه و توده‌ای بوده و به منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان یعنی محک‌ترین متون انقلاب خدمت می‌کنیم، بعنوان یک سازمان انقلابی که تا بحال سرخ‌نانه و بدون سازشکاری در راه بدست آوردن حق شصت سرنوشت خلق کرد مبارزه کرده ایم و با لاف و پند و بیهوشی از نیروهای ملج‌کردستان که فاطما نه و فاطما لانه در جنبش مقاومت ملحانه، خلق کرد شرکت داریم، حق و طاعت آبرو داریم که به همه طرفها اعلام کنیم هر مذاکره با توافقی احتمالی که در آن نمایندگان ما یعنی سازمان زحمتکشان (کومه‌له) شرکت نداشته باشند، از لحاظ عملی بی اعتبار خواهد بود.

اینکه رژیم ایران در تن در دادن به گفتگو، علاوه بر ضعف هدفهای ریاکارانه‌ای را هم تعقیب می‌کند، به این معنی نیست که نمایندگان جنبش انقلابی خلق کرد از جمله "کومه‌له" در مذاکرات شرکت نکنند و آنرا تحریم نمایند. جنبش انقلابی هم نتواند و نباید هدفهای خاص خود را در مذاکرات دنبال کند. همواره طبیعی است که در طرف مذاکره هدفهای جداگانه و متفادی را در مذاکره تعقیب کنند. این شرایط عینی مبارزه، موضع اصولی طرف انقلابی و سیاست عاقلانه آن است که نتواند نتیجه مذاکرات را در صورت (توافق یا عدم توافق) ببنف و تمام کند.

بطور کلی با بدگفت از وقتی که مبارزه ما تا مرحله شرکت در جنبش ملحانه، خلق ارتفاع یافته، از وقتی که سربوکارها دیگر نه فقط با پیروان جنبش بلکه همچنین با توده‌های وسیع و با افکار عمومی است، با لطمه‌های علاوه بر زمینه‌های قبلی مبارزه، با یستی در جنبه "دیپلوما تیک" همه مبارزه به پیرامون مبارزه در جنبه دیپلوما تیک را به وسیله‌ای برای پیشبرد جنبش انقلابی و پیشبرد هدفهای سیاسی خود تبدیل کنیم. جنبش یکی از اشکال

اخیراً سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)، بیانیه‌ای انتشار داده و موضع خود را درقبال مذاکرات سیاسی در کردستان روشن کرده است. ما ضمن پشتیبانی از موضع این سازمان درقبال مذاکرات جاری، در زیر قسمت عمده این بیانیه را نقل می‌کنیم: در این بیانیه پس از اشاره به ریاکاری رژیم در پیش‌نهادی در اطراف مذاکرات و بغل دروغ برداری‌های فراوان از قول رهبران ملی و مذهبی خلق کرد مبنی بر آتش بس دادن آنها که از ادیب و تنویز و انحصاری خود منتظر می‌باشد آمده است که "چرا رژیم حاضر به مذاکره شده است؟... راستی چرا رژیم که دستورهای وسیع عمومی را بر علیه کردستان ما در کرد و افکار عمومی را بر علیه خلق کرد شوراند، رژیمی که ارتش، نیروی هوایی، سپاه پاسداران و دلا و ظلمان ملج را از سر تا سر ایران بجان خلق ستم دیده کرده و دخت و دهباشتن از بهترین فرزندان مبارزان خلق را به دست خلخال دیوانه، این خلد عبا پیوش بدون محاکمه بدست جوخه‌های آتش سیرد، رژیمی که با هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی و توب و تانک بر زمین کردستان را کوبید و هنوز هم هر روز این کار را تکرار می‌کند، به سمت مذاکره متمایل شده است؟ بنظر ما ضعف و ناتوانی رژیم، علت اصلی این تن در دادن به مذاکره است. بطور کلی هر رژیم ضد خلقی هنگامیکه تشخیص می‌دهد نمیتواند جنبش انقلابی را سرکوب کند، به مذاکره روی می‌آورد."

بیانیه‌های به بهرمان سیاسی - اقتصادی و شکستی که رژیم از نظر نظامی در کردستان متحمل شده است اشاره می‌کند و در این رابطه به اوج گیری جنبش توده‌ها و از دست رفتن اینکار عمل رژیم در کردستان و افتادن به موضع دفاعی سخن می‌گوید و سپس ادامه می‌دهد: "... همه این مشکلات رژیم را ناچار کرده که از موضع ضعف حاضر به مذاکره شود. اما آیا این نمایانگر مادافانه است؟

بنظر ما رژیم در عین ضعف دارای موضع ریاکارانه است و با بهمان کشیدن مذاکره و آتشبار این شبهه، توام با دروغ برداری می‌خواهد:

۱ - با تبلیغ مذاکره چهره جنگ طلب و فاشیستی خود را بپوشاند.
۲ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ برداری در اطراف آن، خلقهای ایران و نیروهای انقلابی را که چشم امید به جنبش کردستان دوخته اند نسبت به نیروهای انقلابی کردستان بدبین کرده و بین آنها تفرقه بیندازد.

۳ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ برداری در مورد برخی نیروهای انقلابی خلق کرد، خلق را دچار بدبینی کرده و در مصروفات تفرقه اندازی کند.

۴ - عنا و نیروهای سازشکار و تسلیم طلب را با دادن وعده امتیازهای جزئی بطرف خود بکشاند و مخالفان خود را تجزیه کند.

سیاست سازمان ما از هنگامیکه وارد نبرد ملحانه شده با یستی آنرا مبتنا به یک "سیاست" موزون آن برای پیشبرد هدفهای سیاسی استفاده کند. دیپلوما سی هم یکی از اشکال سیاست است و مذاکره یکی از اشکال دیپلوما سی است که سازمان زحمتکشان (کومه‌له) با یستی سیاست موزون که بطور آنرا برای بالا بردن آگاهی خلق و افشای ماهیت دشمن، برای اشکال حقیقت خود برای آموزش سیاسی مبارزان مورد استفاده قرار دهد.

ما با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات در شرایط فعلی، هدفهای زیر را دنبال می‌کنیم:

۱ - رژیم میخواهد در نبرد افکار عمومی ما را به جنگ افروزی و برادر کشی متهم کند. ما بخوبی میدانیم که مسبب واقعی این جنگ رژیم است ولی از آنجا که هنوز بخشهای وسیعی از توده‌ها در ایران در مورد نیت و خواسته‌های ما تردید دارند و هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم قرار می‌گیرند، ما موظفیم با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات آنها را دروغین جنگ طلبی را که ما وارد می‌کنند و گنیم و با بیان خواسته‌هایمان از "تربیت مذاکرات" حقیقت و عادلانه بودن آنها را به خلقهای ایران نشان دهیم. به این وسیله ما به توده‌ها امکان می‌دهیم که در تجربه خودشان ماهیت واقعی رژیم و دروغین بودن حسن نیت وی را درک کنند و به این ترتیب نیروهای سنا یعنی را که هنوز تردید دارند به سمت خود بکشانیم.

۲ - همانطور که میدانیم رژیم عمداً در مورد نیروهای انقلابی خلق کرد و بخصوص سازمان زحمتکشان (کومه‌له) سکوت کرده است. ما با شرکت در مذاکرات این توطئه سکوت را خنثی می‌کنیم. رژیم میخواهد سازمان زحمتکشان (کومه‌له) را جدا کرده و به تنهایی و انفرادی بکشد. ما با شرکت در مبارزه همراه دیگر نیروهای کردستان این توطئه را خنثی می‌کنیم و ما ش از موفقیت ما و سوره‌های دور و بانه و می‌شویم.

۳ - ما با شرکت در مذاکره و کشاندن جریان آن به میان مردم، توده‌ها را به بحثهای فعال و جنبش سیاسی می‌کشانیم. تحریم مشخص مذاکرات کردستان نشان داده است که هر جاحریان مذاکرات بیان توده‌های مردم برده شده در همان نیت با استقبال و پشتیبانی مردم روبرو شده و آنها را به فعالیت کشانده است.

در تمام مذاکراتی که سازمان ما شرکت فعال داشته است (مذاکرات میان با دایا در سوش فروهر که منجر به دستور قطعنامه ۸ ماده‌ای ما با شد، مذاکرات نوروز خوشین سندج با آیت‌الله طالقانی که قطعنامه ۸ ماده‌ای سندج را با خود به شهر رسانید، مذاکرات مربوان با چمران و دیگران) همواره سعی کرده است از این اصل پیروی کند و سنا به سبب عالی هم از این روش گرفته است. قطعنامه ۸ ماده‌ای ما دایا ما با دوستند که هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده‌اند، مورد پذیرش و

در این حالت ما با تمام نیروها و پشتیبانی به دست آمده (امکانات کارگانی، تبلیغات، وسیله مطبوعات و غیره) استفاده می‌کنیم. پسوند اینکه دچار دل‌آلودگی شویم و نیروهای مسلح خود را بیاکنده و منحل سازیم.

ضمناً ما قبول مذاکره را با توجه به شرایط مشخص کنونی به نفع خلق و به نفع انقلاب می‌دانیم. طبیعی است که هر زمان تحریم آنرا برای مبارزه، خلق سودمند تشخیص دهیم، در تحریم آن تردید نخواهیم کرد.

۱۰- ما از من پیشنهادی شیخ عزالدین حسینی به هیئت مذاکره دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که در روز ۵۸/۷/۲۷ به آقای داریوش فروهر ارائه شده است، پشتیبانی نمی‌کنیم. (۱)

علاوه ما معتقدیم رژیم ایران با تبلیغات مسموم در مورد شخصیت حضرت شیخ عزالدین حسینی در حقیقت به توده‌های وسیع خلق کرده که با رها به سائکوه‌ترین وحشی‌انجام و علفه خود را نسبت به ایشان ابراز داشته اند، توهین بیشترمانده‌ای کرده است. ما مأمراً خواستار آنیم که از ایشان به شیوه رسمی پوزش خواهی شود. ۵۸/۸/۶

(۱) - خواسته‌های حداقل که در اطلاعیه سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران مورخه ۷/۲۷ مطرح شده، برقرار نیست؛
- آژانسهای دموکراتیک در سراسر ایران اعاده و احراب و مطبوعات رفع توقیف گردد.
- سپاه پاسداران در کردستان منحل و به محل - های خود مراجع شده شود.
- در هر مذاکره فلسفه‌های ۸ ماده‌ای میانه و سندج ملاک قرار گیرد.

دفاتر سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران (کومله) در سقز گشوده شد.

اخیراً دفاتر اس سازمان انقلابی در سقز گشوده شد. این موضوع نشان می‌دهد که ارتجاع چگونه در کردستان شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی شده است. حسینی که در عرض چند ساعت! می‌خواست خلق کرد و کمونیست‌ها را شکست دهد! با بسیج توده‌های ناآگاه و لشکرکشی به کردستان بشی از پیش شکست خود را جلو انداخت. امروز دیگر ارتجاع مجبور به برخی عقب‌نشینی‌ها شده است. باز شدن دفاتر سازمانهای انقلابی در شهرهای کردستان نشان‌دهنده از این عقب‌نشینی ارتجاع است. ما گشایش دفاتر سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران را به این رفقا و شما می‌خلق کرد شریک گفته و همانطور که رفقا در پیام خود به این مناسبت متذکر شده‌اند این پیروزی را، شمره، قهرمانی‌ها و دلاوریهای خلق قهرمان کرد می‌دانیم.

ما عذرهای مبارزه در سقز برنقاط ایران می‌شود. با افتخار این طبقه، تاریخی را می‌بینیم و قول می‌دهیم که ثمرات مبارزه، خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی، هموارداران حقوق ملت و مبارزان آزادی‌های دموکراتیک قرار دهیم. به این وسیله ما کاری می‌کنیم که این پیروها نیز مبارزه، ما را از مبارزه، خود بسازند و می‌کشیم و وسیع ترین پشتیبانی متقابل را بین نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران فراهم سازیم.

۷- ما همه، مبارزان خود من جمله سنگسرها، مذاکره را با سند وسیله‌ای برای ایجاد شرایط مسا عدل و عتلا بخشدن به مبارزان طبقه، کارگر و ایحادی‌بوند واقعی با آن کار می‌گیریم و همچون مراحل تاریخی و باطله‌های بی‌سرای نهیل شرایط انقلاب دموکراتیک ایران به رهبری طبقه، کارگر می‌دانیم. ما اعتقاد داریم که طبقه، کارگر با یستی مسئله حقیقی و خلفا و مسئله، آزادی‌های دموکراتیک را همچون ارجحیاتی خود پیدا و سیرکس با یستی لمس کند که سیرکب آزادین و سیرکب خلفا تا چه حد از لحاظ عینی بفر خود می‌ماند. همین آگاهی بی‌سند واقعی بر اساس اشتراک منافع واقعی ایجاد خواهد کرد. به این وسیله ما می‌کشیم شرکت فعال و دفاع پر شور طبقه، کارگر را نسبت به مداخله در جلب نمائیم.

۸- قبول مذاکره از نظر ما به هیچ وجه بمعنای قبول آتش‌بس نیست، ما در اینجا نمونه، و ستان را در نظر می‌گیریم، نه نمونه مصر را. چنان می‌گوید با یستی با قدرت نظامی عمل کرد و آگاه در مذاکره شرکت نمود. ما هم همین کار را می‌کنیم. کنفرانس مذاکره در حقیقت چیزی جز شکست‌ناست و واقعی نیروها نیست. اشناء است اگر فکر کنیم عقب‌نشینی در زمینه، نظامی "حسن نیت" مرتجعین را جلب خواهد کرد. این به اصطلاح "حسن نیت" را نیرومندی ما به آنها تحمیل خواهد کرد.

و اما در مورد سیر زمین گذاشتن اسلحه یعنی شش درد آمدن به خلق سلاح ما هرگز در تحت هیچ شرایطی تا تحقق کامل انقلاب دموکراتیک ایران به رهبری طبقه، کارگر نشن به خلق سلاح نخواهیم داد. تجربیات مختلف خلقهای جهان، تجربه خلق کرد و تجربه، خلق سلاح مردم پس از قیام اخیر ایران برونش نشان می‌دهد که "خلق بدون یک ارتش توده‌ای هیچ ندارد". و تمام دستاوردهای سیاسی خود را از دست خواهد داد. سیاست همیشگی و ترولزل ناید بر ما ایجاد و تقویت چنین ارتشی خواهد بود.

۹- هدف هر مبارزه، انقلابی کسب قدرت سیاسی است. اما این مبارزه از راهی پسر پیچ و خمی می‌گذرد. ما نمی‌توانیم در مذاکره با دولت از وی بخواهیم که قدرتش را به کارگران واگذار کند. اما ما می‌توانیم خواسته‌های تاکتیکی و کوتاه مدتی برگزینیم که بتواند توده‌های مردم را بدور خود جمع کرده و در صورت تحقق یافتن، رسیدن به هدف نهایی را تسهیل کند. بنا بر این ممکن است در این مذاکره به توافق‌های معینی که در حقیقت عقب‌نشینی‌های تاکتیکی رژیم محبوب می‌شود برسیم.

پشتیبانی فعال کرد و نیروهای انقلابی و آزادیخواه سراسر ایران را برانگیزند. گمانی هم که ما حوادث مربوط به این و مذاکرات آن اشنایی دارند و یستی مبدأ سندنه. سبباً سیرکب نیروهای انقلابی و منجمله ما را به رزمندگان (کومله) و در جریان گذاشته‌اند. این با مردم "اردو" - که در سقز "و سراسر کردستان" بود که سندنه مذاکره کسب‌کنان به سقز و اخراج کسب‌کننده شده و یستی سقز مردم و رهبری قطع شود. گمان سندن جریان مذاکره به سقز مردم باعث می‌شود که توده‌های مردم به سقز سندن و مذاکره کنند. گمان خود اشناء نکنند. ما با کسب‌کنان جریان مذاکرات سقز مردم، مذاکرات را از صورت "ا سراسر" می‌توان که توده‌ها در "ا سقز" آن سقز سندن و رهبران "سقز" می‌توانیم، اسطراتژی قوی العاده‌ای را از مذاکرات در میان مردم وجود دارد که می‌توانیم. دهم و واقع سقز را به سقز می‌دهیم. هم خود را در معرض فشار و اسفاد و اطلاق از طرف توده‌های مردم قرار می‌دهیم و هم سطح توفیق آنها را بالا برده و سقز، اصولی مذاکره اشناء می‌سازیم. همه، اشناء را با شرکت در مذاکره کرات می‌توان انجام داد.

۴- ما در مذاکرات خود مانع می‌شویم که رژیم بتواند در سقز نیروهای کردستان تفرقه‌اندازی کند. زیرا ما خواستار شرکت تمام نیروهای سیاسی کردستان در این مذاکرات می‌باشیم. ما خواستار آنیم که حزب دموکرات نیز در این مذاکرات شرکت داشته باشد. متقابلاً نیروهای سیاسی کردستان و حزب دموکرات کردستان هم با یستی همین موضع را احرار حتماً اعلام کنند و مذاکرات پشتیبانی و "سقز جدا" گانه "خودداری" نمائند تا به این وسیله رژیم نتواند از شکاف میان نیروهای سیاسی کردستان بهره‌برداری کند. ما با شرکت خود در مذاکرات، جناحهای سازشکار را از ساخت و پاخت‌های سی اهمیت و بدون اطلاع مردم (کاری که متأسفانه تا بحال چندین بار روی داده است) محروم می‌کنیم و به این وسیله باز هم مانع بهره‌برداری رژیم می‌شویم.

۵- ما نیروی خواسته‌های اساسی خلق کردستان که می‌کنیم نه بر روی حل عوارض جنگ اخیر. مسئله عوارض جنگ اخیر (آزادی زندان - نشان و تسعید سندن) موقت کردن اعدا می‌ماند، فراخواندن پاسداران و غیره) تنها در رابطه با جواب‌گویی به خواسته‌های اساسی خلق کردستان قابل حل هستند. حداقل این خواسته‌ها در مرحله کنونی در فلسفه‌های ۸ ماده‌ای میانه و سقز را ملاک می‌دانیم و ما تا کسب‌کنیم که آنها را ملاک و پایه، هروج مذاکره‌ای در مورد کردستان در شرایط فعلی می‌دانیم.

۶- ما مسئله حقوق ملی تمام خلقهای ایران را با "مسئله، کردستان" پیوند می‌دهیم. ما مسئله، آزادی‌های دموکراتیک در ایران را هم با "مسئله، کردستان" پیوند می‌دهیم یعنی ما از حقوق خلقهای دیک ایران دموکراتیک دفاع می‌کنیم. ما یستی آگاهی هم که مبارزان و مشراطیت دشوار ما باعث فراهم آمدن شرایط

اخباری از:

جنبش دانش آموزی



داده میشود و یوگان منتقل میگردد.
مراسم شمع جواره دانش آموز شهید
با شرکت حدود ۳ هزار نفر از دانش آموزان و
مردم شهر برگزار میشود. شعارهای این مراسم
با شکر و شکر به طوطی سازنکاری در جنبش خلق
کرد و ادا مقامات تا کتب پیروزی و پشتیبانی
ارشد عوالدین و پیشمرگان قهرمان داشت.

بروجرد

شهریه دانش آموزان مبارز بروجرد
دانش آموزان مبارز بروجرد دست به
انتشار نشریه ای با عنوان نوب زده اند.
این نشریه حاوی مقالات و اخبار مبارزات
دانش آموزی است. ماسرای این نشریه، آرزوی
موفقیت کرده و بعد از این نشریه آنها
استعداد خواهند کرد.

اخبار زیادی از مبارزات دانش آموزان
نقاط مختلف کشورمان توسط هواداران سازمان
بمدست ما رسیده است که به علت محدود بودن
صفحات پیکار و نیز کمبود شدن برخی از آنها
از درج همگی آنها در پیکار معذور بوده و
فقط بعضی از آنها را بطور مختصر مآوریم:

مسجد سلیمان

در سیردهم آبان تظاهرات دانش آموزان
مجد سلیمان توسط عناصر فاشیست و کمیته جبهه
بجوش کشیده شد و ۹ نفر از دانش آموزان
رحمت شدند. شعار دانش آموزان که بیشتر
از دبیرستانهای مدینه رضائی، آزادگان
۱۷ شهبور، امیرکبیر و سینا بودند از این
قرار بود:

محل میزمد، ارتجاع میسی لرزد
تشکل، آگاهی، دشمن ارتجاع است
انحاد، اتحاد علیه سرمایه دار
کردستان، کردستان گورستان فاشیست
مدعی، مدعی، در سادار پهلوی
.....

دانش آموزان مجد سلیمان در روز ۱۵
آبان هم در اعتراض به اعمال عناصر ارتجاع
ای و حمله آبان به صفوف دانش آموزان
تظاهراتی انجام دادند که با استقبال کارگر-
ان، معلمان، روشنفکران و دبیرخانه ها
روبرو شده و بسیاری صفوف دانش آموزان
پیوسته بخور که تعداد تظاهرات کارکنان به
حدود ۵ هزار نفر رسید.

خرم آباد

هنرجوانان سال چهارم هنرستان خرم آباد
به پشتیبانی از تحصن هنرجوانان دیگر
شهرها، از تاریخ نهم آبان در استانداری
لرستان تحصن شدند. خواست متحصنین، همان
خواستهای اعلام شده از طرف هنرجوانان سراسر
کشور است.

سقز

سقز - ۵۸/۸/۵ تا ۵۸/۸/۱۳
شورای دانش آموزان و معلمان سقز
رسیدن به خواسته های خود را در تاریخ ۵۸/۸/۵ اعلام
تحصن نمودند. مدارس شرکت کننده در این
تحصن هر کدام در یکی از ادارات و موسسات
شهر از قبیل بانک ملی، اداره دارائی، محال-
برات، مایکروویو، متحصن شدند و آن موسسات
را تعطیل نمودند. این تحصن علاوه بر انعکاس
سیاسی آن از لحاظ اقتصادی نیز به رژیم
غریبه هایی وارد آورد. در این مدت بازاریبان
سقز به عنوان پشتیبانی از متحصنین بمدت سه
روز دکانهای خود را بستند. و کارمندان بهداشتی
و کارگران شهرداری نیز پشتیبانی خود را از این
تحصن اعلام داشتند. در مدت تحصن بهترین
مکان تحصن به علت در مرکز شهر بودن آن محال است
بود که عملاً سک کاسو آموزشی انقلابی و مدافع
خبرگیری تبدیل شده بود. در بعد از ظهر
۵۸/۸/۱۳ با ابداران ارتجاع شمع به شکر
تحصن داشتند که مقامات دولتی و دلسر-
آموزان و همچنین پشتیبانی مردم از آنها
روبرو شد و در نتیجه نقشه ابداران را به هم
زدند. خواسته های متحصنین بدین شرح بود:

- ۱ - اخراج با ابداران از کردستان
- ۲ - آزادی فعالیت سیاسی
- ۳ - آزادی و لغو سوراژ مطبوعات
- ۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران به
ویژه کردستان
- ۵ - الحاق حکم تبعیدیان
- ۶ - بازگشت ۲۴ نفر معلم اخراجی
- ۷ - استرداد دانش جاب کانون احیاء فرهنگ
کردی.

در روز ۵۸/۸/۱۳ تحصن با سلاح زینتی
خاتمه یافت:
۱ - بازگشت تبعیدیان
۲ - بازگشت معلمان اخراجی
۳ - استرداد دانش جاب
۴ - آزادی زندانیان سیاسی سقز

سقز - ۵۸/۸/۱۴

روز ۵۸/۸/۱۴ ساعت ۱۰ صبح در خیابان
فاضل یکی از خانه ها که از مدتها پیش در شهر
به اذیت و آزار مردم می پرداخت و همچنین در
کندن اعلامیه ها و ششائی افراد قتل نمایی
داشت، توسط مردم هوشیور، جاش مزبور
عصائی می نمود و اقدام به تیراندازی میکند
که در نتیجه آن یکی از دانش آموزان به اسم
لطیف عبدیان در اثر تیراندازی کشته شد. به همدست
میرسد، جاش مذکور توسط مردم دستگیر میشود و
کنک مفصلی میخورد و سپس تحویل پیشمرگان

آمل

بمناسبت گرامیداشت و تجلیل از خاطره
شهادت ۱۳ آبان، روز یکشنبه با دعوت
" کمیته مشترک دانش آموزان انقلابی " از
نیروهای مترقی و غذا میریالیت، چند هزار
نفر از دانش آموزان، فارغ التحصیلان بی-
کار و ... در دبیرستان خمینی گرد آمدند و
در ساعت ۹/۵ با حمل پلاکاردهائی چون
" خلق کرد خود مختاری میخواهد نه جن-
" گرامی باد خاطره شهادت خلق کرد، عسرب
بندر انزلی و ... " از مبارزات حق طلبانه
روستائیان " کلیمان " پشتیبانی کنیم "،
" برقرار باد خود مختاری خلقها، در جارجوب
ایرانی مستقل و دمکراتیک " و ... دست
باز ایستائی میزدند. در جریان راه پیمای-
شی شعارهای " اتحاد، مبارزه، پیروزی "،
" خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است "،
" کارگر انزلی برای ایجاد اتحاد برتره بخون
شد "، " فرهنگ آمریکائی نابود باید گردد،
فرهنگ انقلابی ایجاد باید گردد "، " نان
ممکی، آزادی "، و ... داده میشد.
راه پیمایان در مقابل شهرائی، مورد
شهادت تعدادی از فالانژها قرار میگرفتند و
عده ای از آنها متفرق شده ولی فارغ-
التحصیلان سکار برای خود تا مقدشان که
مقابل دبیرستان خمینی بود، ادا میزدند.
در هنگام حمله فالانژها تظاهرات کارکنان شمار
میدادند، جمران آمریکائی جلد خلق ما
شاکر، فلاچی مردودان آمریکا، " فالانژها
بعلت پراکندگی دانش آموزان توانستند
کتابخانه دانش آموزی را مورد حمله قرار
داده و کتابها را از بین ببرند.

روز دوشنبه ۱۴ آبان گروهی از دانش-
آموزان در دبیرستان خمینی به عنوان اعتراض
به حمله عناصر مرتجع به صفوف آنها در روز
قبل به تظاهرات دست زدند و در پایان
قطعه ای به مضمون زیر را قرائت کردند:

- ۱ - عدم دخالت نیروهای انتظامی و با
هر نیروی خارجی در مدرسه.
- ۲ - ایجاد محیط دمکراتیک و آزادی برای
فعالیت سیاسی در مدرسه.
- ۳ - تشکیل شورائی واقعی دانش آموزان
متشکل از کلیه نیروهای سیاسی در
مدرسه.

بقیه در صفحه ۶



(بنقل از ضمیمه محلی پیکار - کمیته آذربایجان)

گزارش مختصری از چند روستای اردبیل

اردبیل دارای محالهای مختلف است از قبل وبلکج ،بولادلی،بودجی و محال خلخال و... ما اوضاع کلی از دهات محال وبلکج را که منطقه بین "نمین" و "کلا" را شامل میشود از زبان خود دهقانان بیان میکنیم: دهات آذربایجان مانند اکثر دهات ایران در بدترین شرایط قرار دارند. این بدی شرایط مخصوصاً برای دهاتی که در کوهپایه قرار گرفته اند تشدید میشود و ناراضیهایی بیشتری بار میآورد. دهات محال وبلکج هم بیشتر در کوهپایه ها قرار دارند و از اوضاع جغرافیائی سخت برخوردارند و همچنین از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیستند. ناشی با خانه های گلی و سفکوتاه، بار صرجه های بر ازلجن، دهاتی در معرض خطر سیل و خانه های کوچک و تاریک که تیرهای مخفی از پس دوده بسته است به تیرقیصری بدل شده اند. اکثر کشت این مناطق غله است و تقریباً اکثریت اردنان را از بازار می - خزند. از اصلاحات ضد دهقانی رژیم منفسور پهلوی به این طرف از بس تکه زمینهای هر خانوار بین اولادشان تقسیم گشته است که دیگر بقول یکی از مردان ده "گیری-تبدیل به طاقچه شده اند".

بدین جهت اکثر آن تکه زمینهای خود را به "هامپاها" (دهقانان مرفه و نیمه مرفه) میفروشند و راهی شهرها میشوند چنانکه اردبیل را گمربندی از خانه های دهقانان کوچ کرده، در خود قرار داده است و این کوچ کردن مخصوصاً بعد از قیام غزونی گرفته است زنی از ده "ایریل" میگفت: "دیگر از یک گاو که نمیشود ده من در روز شیردوشید. آ. هفت هکتار زمین چیست که محصولش کفاف به خانواده یعنی من و شوهرم بایچه - های کوچکتر و دویسر دیگرم بازن و بچه ها - بشان را بدهد".

وضع راهها افتضاح است. بطورمثال بهترین راه در محال وبلکج، راه اردبیل به "هور" و "رز" است که بقول یکی از دهقانان ده "فتیچی" قابله خوبی است تا اگر زن حامله ای را سوار بر این ماشینهای قراضه از این راه سری همان دوسه دقیقه اول حتماً بچه را سقط خواهد کرد!

مشکل دهات کوهپایه از این لحاظ بیشتر است از درمانگاه و برق و حمام خیری نیست. مردم بیشتر خود را بادر "کلهها" (برکه ها) و "ترانها" (آبشارهای کوچک) میشوند و با در طوبله حمام میکنند. وضع ممکن تعریفی ندارد، غیر بهداشتی و بد است مثلاً در ده "هور" که تقریباً بخت حساب میشود و تازه یکی از بهترین دهات این منطقه است در یک خانه چندین خانوار زندگی میکنند. بدین معنا که خانه ها هر روز کوچک و کوچک تر میشوند زیرا پسرهای جوان زن میگیرند و پدر مجبور است خانه را دوباره تقسیم کند. مثلاً همین ده

یک کشا ورز: "... قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهودی بودیم؟ ... ما اسلام داشتیم ولی نان نداشتیم و نداریم".

"هور" وسعت ناچیزی دارد، در صورتیکه بگفته خود اهالی ۱۵۰۰ خانوارند!

بعد از قیام بهمن ماه دهقانان امیدوار بودند که راه فرجی برایشان باز شود ولی بقول خودشان "شاه رفت و شاهنامه خوان آمد" و شکی زندگی که از زمان شاه خاش شروع شده است، هر روز بیشتر میشود. پای صحبت یکی از مردان جوان ده "قزل قلمه" می نشینیم:

"جنگل دوباره قذف شده و این بار باسداران بجای ما موران جنگلبانی شروع به رشوه خواری کرده اند. برای هر بار قاطر ۵۰۰ ریال نرخ تعیین کرده اند. کمیته چیها برای آنکه مردم نگویند که رشوه خواری میکنند، دست به استکار تازه ای هم زده اند! آنها با قاطرچیها را که میگیرند ضبط میکنند ولی آنرا تحویل جنگلبانی (که البته باز هم فرقی نمیکند) نمیدهند، بلکه بنفع خود بفروش میرسانند و بیشتر از پول رشوه ای، ما بدشان میشود! از طرفی کم بودن زمین و بی صرفگی زراعت هم باعث گشته است که خوش نشینها بیشتر شده و به شهر روی آورند ولی در شهر هم کار نیست. نه جنگل، نه زراعت، نه کار و از وقت قیمت لسوالم ضروری زندگی نیز هر روز گرانتر میشود و مثلاً آرد تهران که تا ۴ ماه پیش کیمه ای ۱۳۰ تومان بود به کیمه ای ۱۹۰ تومان رسیده است و با توجه به اینکه یک خانواده متوسط ۵ نفری در ماه حداقل ۲ کیمه آرد مصرف میکند (زیرا اکثر خوراکشان نان است) با این حساب ما چقدر میتوانیم دوام بیاوریم. به اسوالفضل قسم وقتی بچه از طبق نان بر میدارد مادر عین بزمیرد، از دستش میقاود و کتک میزند که سیخ نو شکمت بیرون مگر نمیدانی گرانی است! یا روغن نباتی کیلوئی ۷ تومان را ۴۰ تومان به ما میدهند. از برنج هم که اطلاق نباید حرف زد. گفت پلاستیکی در عرض چند ماه قیمتش دو برابر شده است. پارچه هم که اصلاً پرسیدن نیست بدین جهت اکثر دهاتنها لباس خود را از فروشگاه بزرگ اردبیل! (میدانی بنام "تازه میدان" که محل بساط کهنه فروشیهای شهر است و به شوخی فروشگاه بزرگ اردبیل خوانده میشود) تهیه میکنند. گوشت هم که بحمدالله در حسرت مانده ایم. دکانها برای چاپیدن فقط تنگ و شمشیر کم دارند، نمیدانم تا عید دوام خواهیم آورد یا نه. اکثر جوانها و نوجوانها بیکارند و در کوچه ها پرسه میزنند و یا در قهوه ها نمی نشینند و از هم بدگوئی می - کنند و دعوا راه می اندازند. از مدرسه های

ده میپرسم جواب میدهد: "ای بابا دلان را خوش کرده اید. داخل مدرسه ها بیشتر به توریه (زیر نگاه کوچک) میماند، بچه ها را طوری چپانده اند که حتی جای نفس کشیدن نیست تازه چه درسی میخواهند بخوانند؟" از روستاهایی که در جریان قیام فعالانه شرکت کردند، ده "نیارا" است. این ده که حدوداً ۶۵۰ خانوار دارد در حدود ۵۰۰ هکتار دارد و بقیه را دهقانان کم زمین و غریبه ها (خوش نشین ها، در این دهات دهقانان خوش نشین را اکثر غریبه مینامند) تشکیل میدهند. این ده در طی قیام ۱۱ نفر شهید داد.

پای صحبت یکی از مردان ده "نیارا" می - نشینیم: "فکر میکردیم اگر آقا بیاید کارها درست میشود تازه هر که میخواهد حرف راستی بزند میگویند فکر کمونیستی داری! وقتی آیت الله خمینی وارد ایران شد، برایش "کل" (گاونر) سرپریدم. ولی بدون رودربایستی حالا دلم برای آن کلهها میسوزد. مگر چی عایدمان شد؟ ما میگویند ما فقط اسلام میخواستیم! کسی هم نیست به این امام بگوید "آخر قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهودی بودیم؟ ما قبلاً هم مسلمان بودیم. شما که دین تازه ای نیاورده اید. ما اسلام داشتیم ولی نان نداشتیم و نداریم".

از روحیه مردم میپرسم، جواب میدهد: والا آنهاش که زمانی سخت و سخت شاهرست بودند (اکثر آنها میپاها) و بر علیه افسر اد فعال دهات با ژاندارمری همکاری میکردند، حالا هم رنگ عوض کرده و به همان فلسفی و سختی خمینی پرست شده اند! و هر کس با این وضع اعتراض میکند میگویند "کفر میگوئی، اسلام را ضعیف میکنی، به کمونیستها خدمت میکنی و...".

یکی از دهقانان ده "هور" با طنزی - گوید "آخر ما هر کس را شناسیم این ملاحهای خودمان را که می شناسیم!! درد اینست که اینها برایمان قیافه میگیرند! همین آخر مگر شنیده ای که ملا به کسی بخت بکند؟ حتماً نه. آنها فقط دست گرفتن دارند، آنها همیشه گرفته اند، از من زارع، از دکان - دار، از ظالم، از مظلوم و... برادر سرت را درد نیآورم، ملا جیبی دارد از پای تا سر، که هر چقدر بدهی بر نمیشود. ولی شخصاً فلا دو جیب دارد که زودتر بر می شود و دست از سرت بر میدارد". ده آبکلو که ده بزرگی است (حدود ۵۰۰ خانوار دارد) که ۵۰ خانوار را هامپاها و بقیه را دهقانان فقیر کم زمین و غریبه ها تشکیل میدهند (اکثر مردان این ده برای کار به شهر تهران میرفتند و در کارخا تاجات کار میکردند. ولی از دوران قیام تا بحال خانه نشین شده اند جوانی از این ده میگفت "از لطف جمهوری اسلامی دیگر باز نشسته شده ایم. البته بدون حقوق! اکثر دهقانان میگویند "اگر وضع به همین منوال پیش برود فردا پس فردا است که به شهر بریزیم".



بمناسبت گرامیداشت شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

چهارمین جشن سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله ای از لنین)

- ۲ -

ادامه از شماره قبل

همه اینها محتوای انقلاب بورژوا-دمکراتیک را تشکیل میدهد.

یکمده و پنجاه سال پیش و دوستان و پیچاه سال پیش رهبران مترقی آن انقلاب (با اگر تنوع ملی یکسوی عام را در نظر بگیریم، آن انقلابها) قول دادند که شریعت را از امتیازات قرون وسطایی، نابرابری جنسی، امتیازات دولتی این با آن مذهب (پسا "ایده‌های مذهبی"، "کلیسا" بطور کلی) و نابرابری ملی رهایی بخشد. آنها قبول دادند، اما بقولشان وفا نکردند. آنها نپذیرفتند که تولهای خود وفا کنند، چه "احترام" آنها حق مقدس مالکیت خصوصی آنان را از این کار بایستد. انقلاب پرولتری ما دچار این "احترام" لعنتی نسبت به مظاهر قرون وسطایی صلیب خورده و به "حق مقدس" مالکیت خصوصی" نبود.

اما بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب بورژوا-دمکراتیک برای مردم روسیه، مجبور بودیم بیشتر بروم و بیشتر هم رفته‌ایم. ما مسائل انقلاب بورژوا-دمکراتیک را بعنوان محصول فرعی فعالیت‌های عمده و حاکم پرولتری - انقلابی و سوسیالیستی خود در مدت زمانی قلیل حل خواهم نمود. ما همواره گفته‌ایم که اصلاحات محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی است. ما گفتیم و با عمل آن را ثابت کردیم که اصلاحات بورژوا-دمکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی انقلاب سوسیالیستی است. اتفاقاً، کاشوتسکی‌ها، هلرزدیک‌ها، مارف‌ها، چرنوف‌ها، هلوتیت‌ها، دانگه‌ها، مک‌دونالد‌ها، شورانی‌ها، و دیگر فرمانران مارکسیسم "دوونیم" (۱) نا توان از درک این ارتباط بین انقلابی بورژوا-دمکراتیک و سوسیالیستی - پرولتری بودند. اولی به دومی ربط می‌یابد. دومی، در مدت زمانی قلیل مسائل اولی را حل میکند. دومی عملکرد اولی را تحکیم می‌بخشد. مبارزه و فقط مبارزه تعیین میکند که دومی در سط اولی تا کجا توفیق می‌یابد.

نظام شوروی یکی از زنده ترین دلایل با مظهر این امر است که چگونه یک انقلاب به انقلاب دیگر ربط می‌یابد. نظام شوروی حداکثر دمکراسی را برای کارگران و دهقانان تامین می‌کند. در عین حال گسستن از دمکراسی بورژوایی و ظهور نوعی دمکراسی نوین و دوران ساز، یعنی دمکراسی پرولتری با دیکتاتوری پرولتاریا را مشخص می‌سازد. بگذار فراموش نکنیم و خودکامتن بورژوا-زی و دمکرات‌های خرده بورژوا که دنباله رو آنانند بخاطر ننگسها و اشتباهات ما در کار

بنای نظام شوروی خود لمن و دشنام و استهزا و نثار ما کنند. ما یک لحظه هم فراموش نخواهیم کرد که اشتباهات زیادی را مرتکب شده و می‌توانیم و شکستهای زیادی را متحمل میگردیم. چطور میتوان در امری اینچنین نو در تاریخ جهان چون ساختن نوع سیاسی ای از ساختمان دولت از ننگسها و اشتباهات اجتناب کرد! ما بنحو استواری برای تصحیح اشتباهات و شکست‌ها و اصلاح کاربرد عملی اصول شوروی، که هنوز از کامل شدن فاصله خیلی زیادی دارد، فعالیت خواهیم کرد. ولی حق داریم از اینکه اقبال آغاز ساختمان یک دولت شوروی، و بنا بر این بنابر یک عمر جدید در تاریخ جهان، عمر حاکمیت یک طبقه جدید، طبقه‌ای که در تمامی کشورها سرمایه‌داری تحت ستم بوده ولی اکنون در همه جا در راه یک زندگی نوین، در راه پیروزی پرولتاریا، در راه دیکتاتوری پرولتاریا، در راه رهایی بشریت از یوغ سرمایه و جنگهای امپریالیستی به پیش می‌تازد، تعجب نشده‌ام و فرور باشم و هستم.

مسئله جنگهای امپریالیستی، مسئله سیاست بین‌المللی سرمایه مالی که اکنون بر تمامی جهان مسلط است، سیاستی که ناگزیر جنگهای جدید امپریالیستی را ایجاد خواهد کرد، سیاستی که ناگزیر باعث تشدید افراطی ستم ملی، جابول، راهزنی، اختناق ملل صیقل و عقب مانده و کوچک توسط مثنی قدرتهای "بیشترفته" خواهند شد. این مسئله اساس مجموعه سیاست‌های جهان از ۱۹۱۴ به بعد است. این مسئله مرگ و زندگی میلیون‌ها نفر از مردم است. مسئله این است که آیا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر از مردم (در مقایسه با ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفری که در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ و در جنگهای "کوچک" مکمل آن که هنوز ادامه دارد کشته شدند) در جنگ امپریالیستی بعدی که بورژوازی آماده آن میشود و درست در برابر چشمان ما می‌گردد قتل عام خواهند شد. مسئله این است که آیا در جنگ آینده که (اگر سرمایه‌داری به حیات خود ادامه دهد) ناگزیر است، ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر ناقص‌العضو (در مقایسه با ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ناقص‌العضو در ۱۸ - ۱۹۱۴) خواهند شد. در مورد این مسئله نیز انقلاب اکتبر ما نشاندهنده آغاز عمر نوینی در تاریخ جهان بود. نوکران بورژوازی و بادمجان دورقاب چین‌هایش - سوسال رولوف - سیونرها و مشوبیکها و دمکرات‌های خرده - بورژوازی مدعی سوسیالیست سرنا سرچیان - شعار "جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی مبدل سازید" ما را به مسخره گرفته اند.

ولی ثابت شد که این شعار حقیقت است. حقیقتی ناگوار، خشن، عریان و بیرحم، با اینهمه تنها حقیقت، در برابر انتوهای از آراسته ترین دروغهای ملح طلبانه و جنگ طلبانه.

ملح برست افشا شده است و هر روز که میگذرد اهمیت و عواقب ملحی که حتی بدتر از برست است - ملح ورنای - سرخماند افشا میگردد و میلیون‌ها نفری که به علل جنگ اخیر و جنگ قریب الوقوع آینده میانداشته بین از پیش این حقیقت ترساک و بیرحم را که فرار از جنگ امپریالیستی و ملح امیر - یالیستی (اگر املا قدیم هنوز مورد استفاده بود من کلمه ملح را دو جور مینویسم - تا هر دومین آنرا برسانم (۲)) که بطور غیر قابل اجتناب جنگ امپریالیستی را ایجاد میکند، این حقیقت را که فرار از اینسن دوزخ، جز با یک مبارزه بلشویکی و یک انقلاب بلشویکی ناممکن است بروشنی درک میکنند.

بگذار بورژوازی و ملح طلبان، ورنالها و خرده بورژوازی، سرمایه داران و سفلیگان سی فرهنگ، مسیحیان متقنی و شوالیه - های انترناسیونال دوم و دو و نیم خشم دیوانه‌وار خود را متوجه این انقلاب نمایند هیچ سیلابی از دشنام، افترا و دروغ نمی‌تواند آنها را قادر به پنهان ساختن این واقعیت تاریخی نماید که برای نخستین بار در طول مدها و هزاران سال، بردگان به جنگ میان برده‌داران با اعلام آشکار این شعار پاسخ داده اند: "این جنگ میان برده - داران برای تقسیم غارت را به جنگ بردگان

(۱) - اشاره است به اصطلاح انترناسیونال "دو و نیم" که در وین در فوریه ۱۹۲۱ در کنفرانسی از احزاب "ساکریست" و گروه - هایی که تحت فشار احزاب انقلابی کارگر - ان، موقتاً از "انترناسیونال دوم" خارج شده بودند، تاسیس شد. در سال ۱۹۲۳ انتر - ناسیونال دو و نیم به انترناسیونال دوم پیوست.

(۲) - در زبان روسی کلمه mir و معنی دارد (جهان و ملح) و در املا قدیمی، دو املا مختلف داشت.

تمام ملتها علیه برده‌داران تمام ملتها تبدیل کید.

برای نخستین بار در طول مدتها و هزاران سال این شمار از یک انتظار میهم و در مانده بیک برنامه سیاسی روشن و مشخص، به یک مبارزه موثر توسط میلیونها مردم متعدیده تحت رهبری پرولتاریا، به نخستین پیروزی پرولتاریا، نخستین پیروزی در مبارزه برای التا جنگ و برای متحد کردن کارگران تمام کشورها علیه بورژوازی متحد ملت‌های مختلف علیه بورژوازی که به خرج بردگان سرمایه، کارگران مزدور، دهقانان، مردم زحمتکش، ملج میکند و جنگ برای مسا ندارد، تبدیل شده است. این نخستین پیروزی هنوز پیروزی نهایی نیست و این پیروزی با انقلاب اکثریت ما، به بهای مشکلات و سختیهای باور نکردنی، به بهای رنج بسیار، همراه با یک سری شکستها و اشتباهات جدی از جانب مسا بدست آمده است. چگونه میشد از یک مردم غمناک، تنها انتظار داشت که جنگهای امپریالیستی، فویرترین و بیشترین ترین کشورهای جهان را بدون تحمل شکست و بدون ارتکاب اشتباهات عظیم نماید.

ما از پذیرفتن اشتباهاتمان نمینوریم و آنها را بدون ضعف در بررسی قرار میدهیم تا با موزم چتره آنها را تشخیص نمائیم. اما این واقعیت جای خود باقی است که برای نخستین بار در طول مدتها و هزاران سال وعده و "پاسخ" دادن به جنگ میان برده‌داران با یک انقلاب بردگان علیه تمام برده‌داران کاملاً اجرا نشده است و علینهم تمام مشکلات در حال اجراء است.

ما شروع کرده‌ایم، اینکه چه موقع، در چه تاریخ و زمانی، و بر اثرهای کدام ملت این پیروزی را بیاور خواهد رسانید، مهم نیست. مهم اینست که نتایج یکشته شده است، جاده باز است، راه نشان داده شده است.

آقایان، سرمایه‌داران تمام کشورها به تظاهر ریاکارانه "دفاع از منبیس" خودتان - منبیس ژاپنی شبه آفریکایی، آمریکایی علیه ژاپنی، فرانسوی علیه بریتانیایی و غیره - ادامه میدهید. آقایان، نوالبه‌های انترناسیونال دوم و دوونیم، خرده‌بورژوازی با سیفینک و سفلیگان بی فرهنگ سراسر جهان، به "ظفره رفتن" از این مسئله که چگونه باید با جنگهای امپریا - لیستی مبارزه کرد با انتشار "بیانیه‌های بال" (جدید) (طبق الگوی بیانیه سال ۱۹۱۲) (۲) ادامه دهید. نخستین انقلاب بلشویکی، اولین مد میلیون مردم زمین را از چنگال جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بیرون آورده است. انقلابات بعدی بقیه نوع بشر را از چنین جنگها و از چنین دنیایی نجات خواهد داد.

آخرین، ولی مهمترین و مشکلترین وظیفه ما وظیفه‌ای که در موردش کمترین کار را انجام داده‌ایم، پیشرفت اقتصادی است. بی افکندن

بنیادهای اقتصادی برای بنای جدید سوسیالیستی بر جای بنای شده مژدوالی و بنای نیمه ویران شده سرمایه‌داری است. در همین مهمترین و مشکلترین وظیفه است که ما بزرگترین تعداد شکستها را متحمل و بیشترین اشتباهات را مرتکب شده‌ایم. چگونه کسی میتواند انتظار داشته باشد که وظیفه - ای چنین نوین برای جهان بدون شکستها و بدون اشتباهات متوانست آغاز شود! ولی ما آنرا آغاز کرده‌ایم. ما آنرا ادامه خواهیم داد. همین حالا ما سوسیالیست اقتصادی جدید خود مشغول تصحیح پاره - ای از اشتباهاتمان هستیم. ما می‌موزیم که چگونه به برپایی بنای سوسیالیستی - کشوری مرکب از دهقانان جز، بدون ارتکاب چنین اشتباهاتی ادامه دهیم.

مشکلات عظیم هستند: ولی ما به پنجه - افکندن با مشکلات عظیم "کله‌ش" خوگرنته ایم. دشمنانمان بدون جهت را نماینده یک "سیاست یکدنده" نمی‌نامند. ولی ما همچنین، حداقل تا حدی، هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته‌ایم، یعنی انعطاف‌پذیری، توانایی انجام تغییرات سریع و ناگهانی تاکتیکی، در صورتیکه تغییر در شرایط عینی آنرا بطلاند، و انتخاب راه دیگری برای دستیابی به هدفمان، اگر راه قبلی در لحظه معینی نامناسب و پسا ناممکن نظر برسد.

ما که در اوج نور و آسای زاده شده، نخست‌شور سیاسی و سبش‌شور نظامی مردم را بیدار کرده بودیم، انتظار داشتیم وظایف اقتصادی را به سنگینی وظایف سیاسی و نظامی که مستقیماً با نیکه نه این‌شور انجام داده بودیم، با انجام برپاییم. ما انتظار داشتیم با شاید حتمی تر آنست که بگوئیم خود جراب میدادیم بدون آنکه ملاحظه کافی در مورد آن کرده باشیم، که بتوانیم توده دولتی و توزیع دولتی محصولات را طبق اصول کمونیستی مستقیماً آنطور که دولت پرولتاریائی دستور میدهد در کنوری مرکب از دهقانان جز، سازمان دهیم. تجربه ثابت کرده است که مادرانشاه بودیم. معلوم میشود که تعدادی مراحل گذار - سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم برای آمادگی با سالیان متعادی کوشش، گذار به کمونیسم لازم بوده است. ما - نه مستقیماً با نیکه بر شور، بلکه بکمک شوری که حاصل انقلاب بزرگست ویراس نفع شخصی، انگیزه شخصی و اصول تجاری - باید ابتدا در این کشور دهقانان جز، برای ساختن سربل‌های استوار بسوی سوسیالیسم از راه سرمایه‌داری دولتی دست‌یکار شویم. در غیر اینصورت ما هرگز به کمونیسم نخواهیم رسید، هرگز گروههای میلیونی مردم را به کمونیسم راهبر نخواهیم شد. این آن چیزی است که تجربه، جریان عینی نگامیل انقلاب، بما آموخته است.

و ما، که در طول این سه یا چهار سال ایجاد تغییرات شده، در جنبه را (موقعی که تغییرات شدید جنبه مورد نیاز است) سباً آموخته‌ایم، مشتاقانه، بدقت و با پشتکار (هر چند هنوز نه حد کافی مشتاقانه، بدقت و با پشتکار) آموختن ایجاد یک تغییر جدید جنبه یعنی سیاست اقتصادی جدید را آغاز نموده‌ایم. دولت پرولتاری باید یک "سوداگر" محتاط، با پشتکار و بزرگ، یک تاجر عمده فروش دقیق شود در غرضان صورت هرگز در اینکه این کشور دهقانان جز، از لحاظ اقتصادی روی پای خود با سست توفیق نخواهد یافت. تحت شرایط موجود، که ما در کنار غرب کاپیتالیست (مادام که کاپیتالیست باشد) زندگی میکنیم، راه دیگری برای پیشرفت بسوی کمونیسم وجود ندارد. تاجر عمده فروش یک سبب اقتصادی منظمی - رسد که از کمونیسم به اندازه آسمان شایع زمین بدور است. ولی این یکی از تناقضاتی است که در زندگی واقعی از یک اقتصاد دهقانی جز، از طریق سرمایه داری دولتی به سوسیالیسم منتهی میشود.

انگیزه شخصی، تولید را بالا خواهد برد ما باید ابتدا قبل از هر چیز و سبب صنعت تولید را افزایش دهیم. تاجر عمده فروشی از لحاظ اقتصادی میلیونها دهقان کوچک را متحد میکند: به آنها انگیزه شخصی میدهد، آنرا بهم پیوسته میکند و به قدم بعدی یعنی به انکال محتل، دمع و اتحاد در خود پیرویه تولید راهبری میکند. ما هم اکنون تغییرات لازم را در سیاست اقتصادی خود آغاز کرده‌ایم و تا کنون پاره‌ای موفقیتها بنفع خود داشتیم، در حقیقت - بسوی موفقیتها کوچک و جزئی هستند ولی با این همه موفقیت هستند. ما اکنون در این میدان "آموزش" جدید در حال اتمام کلاسیم. حرد هستیم با مطالعه مداوم و مداوم با کتب تحریه عملی از آزمون هردمی که بر میداریم، با واهمه بدانشان از بکرات بقیه در صفحه ۱۴

(۳) - بیانیه سال ۱۹۱۲ - بیانیه‌ای در باره جنگ بود که توسط کنگره مؤن العاده انترناسیونال دوم که در سال برگزار شد، با بنای آنرا تصویب شد. بیانیه اهداف غارت - گرانده جنگ امپریالیستی را که مقدمه‌ای در زمان آماده میشد، خاطرنشان ساخت و سبب - لستهای تمامی کشورهای مبارزه‌ای ماطع علیه جنگ مراخواند. بیانیه سال - مود فطنامه کنگره انترناسیونال دوم را که در ۱۹۰۷ برگزار شده بود، مورد تأیید قرار داد.

قطعه‌ای مرسور بنا به پیشنهاد و ای - لیس و ر. لیکوژا مورک اظهار میداشت که در صورت وقوع جنگ امپریالیستی سوسیالیست ها باید از بحران اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ برای تدارک انقلاب سوسیالیستی بهره گیرند.

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

(۲)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ب - تیمسار مدنی و
کشتار خلق عرب

پس از قیام تکره‌بند سهم ماه ۵۷ خلق عرب نیز مانند سایر خلیفای ایران در ابتدا امید داشت که دولت موقت با صلاح انقلابی به خواسته‌های ملی اش پاسخ مثبت دهد. دولت در ابتدای امر وانمود می‌کرد که خواست خلقها را در نظر خواهد گرفت، لکن جریان زندگی خیلی زود نشان داد که چنین نیست و رژیم کمونیستی نه می‌تواند بخواست عادلانه آنها جواب مثبت دهد. از طرف دیگر کارگران و زمینکنان خلق عرب که انتظار داشتند دولت در مورد تعطیل عناصر مرتجع و سربریده رژیم مزدور شاه و مصادره اموال سرمایه‌داران و استیفاء اقدام کند، وقتی با بی تفاوتی و حتی در موارد بسیاری حمایت دولت موقت از آنها مواجه شدند و از مراجعات مکررشان به کمیته‌های امام نیز (که اغلب در دست مرتجعین فارس بود) نتیجه‌ای نگرفتند، خود دست‌بیکار شده و فریاد اعتراضات را به صورت کم کاری و اعتصاب... بلند کردند. (مثلا در خرمشهر با وجودیکه بیش از ۸۰٪ جمعیت آنرا عربها تشکیل می‌دهند، بیشتر کمیته‌ها در دست فارسیها و اعراب مرتجع قرار می‌گیرد و اینها بجای حمایت از کارگران و زمینکنان، حقوق آنها را نادیده گرفته و مسائل را به نفع اعراب تروتمند و جمعیت غیر عرب تمام می‌کنند)

پس از تشکیل "کانون فرهنگی خلق عرب" و... که بیانگیزان آن روشنفکران انقلابی و چپ‌تر از زندانیان سیاسی عرب بودند، به علت افشارگرای گسترده‌ای که در ساراه سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجع و وابسته به رژیم خائن شاه می‌کرد، مورد توجه و حمایت خلق عرب خوزستان قرار گرفت. اما از سوی دیگر سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجع که هدف حمله و افشارگری قرار گرفته بودند و بدین ترتیب منافع خود را درخطر می‌دیدند، دست به توطئه زدند و مرتباً با پخش اعلامیه و... اعضا کانون را به ضد - انقلابی، تجزیه طلب، وطن فروش... متهم نمودند. اینها همچنین در مقابل خواسته‌های بحق خلق عرب شایع کردند که عربها می - خواهند خوزستان را تجزیه کرده و به عراق ملحق نمایند! و این فریب را تا آنجا که در شان داشتند در بوق و کرنا دمیدند. با ورود تیمسار مدنی بعنوان فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان، عناصر مذکور جان تازه‌ای گرفتند و تبلیغات و توطئه‌ها در سطح وسیعتری گسترش یافت. مدنی بارها طی سخنرانیهای تحریک آمیز به خلق عرب تاخت و آنها را تجزیه طلب و ضد انقلابی معرفی نمود و تحقیر کرد، و به این ترتیب کانون

نا زمینه را برای سرکوب خویشین خلق عرب آماده ساخت. وی از همان آغاز ورودش به خوزستان زمینه طعنه و تلافی را شروع کرد و رژیم سرکوب را آماده نمود. سرانجام نیز با وجودیکه طی نشتی ۶ ساعت در شب ۵۸/۳/۸ با حضور نماینده آیت‌الله خاگانی و نماینده حوزه علمیه قم توافق می‌شد که تا روز پانجمین ۵۸/۳/۱۰ به کانون فرهنگی خلق عرب و سازمان سیاسی خلق عرب مهلت دهد تا مکانهای خود را تخلیه کنند و سلاحهایشان را تحویل دهند (کانون فرهنگی خلق عرب اعلام می‌نمود) در سامداد چهارشنبه ۵۸/۳/۹ (ساعت ۳/۴۰) طی یک محصله سازی از پیش برنامه ریزی شده (۱)

اینجهت مدنی جلاد طی یک دوره جلسات مخفی و علنی با شیوخ مرتجع محلی، اعتماد و همکاری آنان را بخود جلب می‌نماید و پس از آن، بگنجه بندها، اعدای بی درستی و... آغاز میشود و مدتها تن در زندانهای مدنی زیر شکنجه های روحی و جسمی قهرامی - گیرند.

عبدالرضا الحاوای کارگر اداره بندر خرمشهر، جاسم سیاح حسینی دبیرم سیکار محمد اصغرانی کارگر خاگانی و دارای ۵ فرزند و ۲ برادر و خواهر تحت تکفل در ساعت ۵ و پانزده دقیقه روز یکشنبه ۵۸/۳/۲۴ در منزل عبدالرضا الحاوای دستگیر و به گنجهای بسته به مرکز پاسداران برده می

مدنی جلاد حمله به کانونهای مرفقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود.

مدنی جلاد برای آنکه نماینده جلاد منشئی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چندتن را که در کانون رسینما تاج و محل مسکونی مجاور شهر و پور رفت و آمدات به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد.

شوند. اتهام آنان ظاهراً برپایه تاراجک در مسجد جامع خرمشهر بود، در صورتیکه شدت و شاع انفجار بجای بوده که تنها از عهده بمب نیرومندی برآمده که از فصل در آنجا کار گذاشته شده بود. در بین راه پای عبدالرضا الحاوای با کلوله‌ای که یکی از پاسداران شلیک می‌کند رخمی میشود. در مقر پاسداران دستگیر شدگان سوسله شکنجه - گر با سابقه اعزامی از تهران مورد شکنجه قرار می‌گیرند، اما به علت وضع وحتم عبدالرضا الحاوای وی را به بیمارستان برده و مدر ۳ ساعت تمام تیم جراحی برای جراحی خارج نمودن کلوله از پای وی تلاش میکنند. کمتر از یک ساعت از خروج مجروح از اتاق عمل گذشته که پاسداران به دستور مدنی جلاد و احضار گشتی دادستان خرمشهر به سهاست نگهدارند مجروح را فوراً به بیمارستان نیروی دریا - ثی منتقل کنند به بازداشتگاه... و در حالت اغما همراه دو تن دیگر از دستگیر شدگان در ساعت ۹ شب همان روز تیرباران میکنند. قابل ذکر اینکه حتی در موقع تیراندازی لوله سرم هنوز در پای عبدالرضا الحاوای قرار گرفته بود.

بعد از این واقعه در مدتی کمتر از ۲۴ ساعت جمیل بهرانی سور و عباس سیاوی به اشتیام رابطه با به تفریاد شده تیرباران می - شوند.

چند روز بعد مدنی جلاد برای آنکه به نمایش جلاد منشئی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چند تن را در کنار سیمان تاج

(تیراندازی از داخل بیکان سفید رنگی که براجتی می‌توانستند رد آنرا بگیرند) حمله خود را سوسله گماندوهای نیروی دریایی پاسداران اعزامی از سایر شهرها و افراد لمپن و ناآگاهی که توسط ناخدا خوشنام (فرمانده پایگاه دریایی) ملحق شده بودند آغاز می‌کند. و کشتار خلق عرب اینجین آغاز میشود!! و مدنی طی این کشتار نشان داد که از دشمنان آرا مبری هیچ کم ندارد. به خلاصه‌ای از گزارش "گروه تحقیقات جمعیت دفاع از خلقهای ایران" را که در رابطه با کشتار خلق عرب نوشته شده توجه کنید و ببینید تنها گوشه‌ای از جنایات این جلاد خلق عرب تا چه حد تکان دهنده است.

"مدنی جلاد حمله به کانونهای مرفقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود. اما از آنجا که سرکوب مستقیم مبارزات مردم ابراری کشته شده بود و مردم عدم کارآئی آنرا در رژیم سابق ثابت نموده بودند، مدنی و همدستانش طرح توطئه جدیدی را میریزند و بر آن می‌نویسند که رعب و وحشت آرا مبری را بر سرآورد منطقه حاکم کنند. از

(۱) - طبق خبری موقتی، طرح حمله در همان به شب ۵۸/۳/۸ در جلسه‌ای با حضور مدنی، ناخدا خوشنام و چند تن از اعیان مرتجع و... ریخته شده و مورد تیراندازی قرار می‌گیرد (نقل بمعنی از "گزارش فاجعه خرمشهر" گروه یاران حیدر عموا و غلی)

این دو جناح در یک چیز مشترکند و آن سرکوب نیروهای خلقی به بهانه اینکه فاجای اخیر بدست آنها انجام گرفته است. این وضعیت در خرمشهر بعدی است که حتی جلو مدارس دانش آموزان را تفتیش بدنی کرده - اند و از این کار خود دو هدف را دنبال میکنند، یکی اینکه عاملین انفجارها و حوادث را از دید توده ها بیوفا و ناپسند و ناپسند های انقلابی و مبارزان خلق عرب را عامل آن بدانند و از سوی دیگر بخت کشتگان اعلامیه و ... را شناخته و دستگیر کنند. وقتی که سوکر سرسپرد امپریالیسم آمریکا و رئیس دفتر ویژه شاه جلاد در امور

پشتهای حاس قرار دارند، مانند "آملی" معاون فعلی مدنی و "زرگر" دادستان آبادان! که بتازگی بر کنار گردید و با اینکه برونده ساواکی بودنش روشن، مجدداً در دادگستری ابقا شد. بدون تردید عاملین این اقدامات هدفی جز زمینه سازی برای سرکوب جنبش زنده ای و سوزیه سرکوب خلقی عرب و جنبش کارگری خوزستان و براء اندا - ختن موج اعدام و ترور انقلابیون را ندارند. همچنانکه شاهد بودیم بلافاصله بعد از حادثه انفجار قطار، ۸ تن از فرزندان خلق عسرب به جوخه آتش سپرده شدند. اما آنچه که این روزها موجب تشدید جنبش جناباتی شده،

که محل مسکونی مجاور شهر و بر رفت و آمد است به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد.

تیمسار مدنی در پی اعدامهای اخیر بدنیاال اجرای طرحی است که بتواند از یک طرف افکار عمومی مردم را بر علیه خلق عرب تحریک کرده و از طرف دیگر و بدینال زمینه - چینی فوق موقعیت خوبی را برای کشتار آنها بدست آورد. زیرا اینها بتمور خود تنها زمانی میتوانند به نقشه شوم خود که به لووت کشیدن مسئله حقوق خلقها و پایمال کردن آن است موفق شوند که قبل از هر چیز افکار عمومی را با توطئه چینی و طرحهای رنگارنگ بر ضد خلقها بسج نمایند.

آری، در چنین شرایط حاسی که امیر - بالیستها در رشد جنبش توده ای ناپودی جدی و قاطع منافع خود را می بینند، سعی می - کنند نه از طریق عوامل آشکار و نهان خود در بسیاری از ارگانها و محافل هیئت حاکمه

نفوذ کرده و مسئولیت های حاسی را به عهده گرفته اند، زمینه را برای تحریک افکار عمومی و آماده سازی آن برای سرکوب جنبش رو با اعتلای توده ای آماده نمایند و در ضمن تحریک افکار عمومی و ایجاد جنگ روانی دست بکشتار و سرکوب جنبش زنده ای بزنند.

همچنانکه در کردستان همین عوامل و ایادی آشکار و نهان امپریالیسم از قماش سرتیپ ولی الله فلاخی، سرلشکر کرو... با ایجاد زمینه مناسب و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق کرد (اعلام اینکه در پساوه پاسداران را سرسپرده اند و مادر سنجید زنان را بگروگان گرفته اند که البته نه از پاسداران سرسپرده خبری بود و نه از زنان گروگان گرفته شده!)، بهانه و محمل مناسبی برای هجوم و جنبانه هیئت حاکمه به سرتاسر کردستان ایجاد کردند و در یسورش و جنبانه پاسداران و ارتش ضد خلقی دست کشتار و سرکوب خلقی کردند. زده شد،

رویم فاشیستی شاه نیز وقتی با جنبش سرتا - سری مردم مواجه شد برای منحرف کردن مسیر مبارزه و متهم نمودن مبارزین بکشتار خلق، میبایست اقدامات را به آتش کشید. و اکنون همین عوامل و ایادی سرسپرده امپریالیسم و دشمنان خلق و طبقه کارگر در خوزستان موج انفجار و خرابکاری را به راه انداخته اند تا زمینه را برای ایجاد یک جنگ براء درکشی در گوشه ای دیگر از خاک میهنمان آماده کنند. در یک ماه اخیر ما شاهد اقدامات جنایتکارانه ای بوده ایم که چند نمونه آنها ذکر میکنیم: انفجار سمب در بازار خرمشهر، انفجار دکل مخابراتی خرمشهر و ... و انفجار در قطار ماسافری خرمشهر - تهران که سی نیاخت به فاجعه سینداریک آبادان نبود و بی شک دستهای آلوده و تجربه اندوخته آنان که فاجعه "مینما رکس" را آفریدند در این حادثه و حوادث مشابه آن نیز بکار آمده است. چرا که بسیاری از آن موجودات که در آن زمان در دستدار مور بودند، هم اکنون نیز در

دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود را رودستهای فالانتر، مخفی و غلنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری به وحشیانه ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند.

مستشاران نظامی، یعنی تیمسار شاکری مقام فرماندهی کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی انتخاب میشود، وقتی که تیمسار ولی الله فلاخی قاتل صدها نفر از مردم مبارز شیراز در روزهای قبل از قیام، مقام فرماندهی نیروی زمینی انتخاب میشود و بستوان یکی از عوامل سرکوب خلق کردیم منطقه اعزام میگردد. آیا جز این میتوان انتظار داشت که هر روز در گوشه ای از خاک میهنمان با توطئه چینی همین عوامل سرسپرده، جنگ براء درکشی راه افتاده و خلقهای قهرمان وطنمان مسوود کشتار و سرکوب قرار گیرند؟

ما منتقدیم همچنانکه توطئه های امپریالیستی رژیم شاه خاش نه تنها نتوانست هیچگونه مانعی در برابر پیشرفت جنبش توده ای ایجاد کند، بلکه ما هیئت ضد - خلقی خود را آشکارتر نمود، توطئه های ضد - خلقی عوامل و ایادی ارتجاع و امپریالیسم از قبیل آتش زدن اماکن عمومی و انفجار قطار مسافری و بازار و ... هم نخواهد توانست سدی در برابر پیشرفت جنبش رو به اعتلای توده ای ایجاد کند و این اقدامات هر چه بیشتر ما هیئت عوامل را در پیش توده های مردم فاش و برملا ساخته و ناپودی آنان را تسریع خواهد کرد. ادامه دارد

بلا گرفتار توفای است که بر سر اعمال حاکمیت، بین جناحهای مختلف مسئولین محلی و پیشنیان آنان در هیئت حاکمه وجود دارد. یک جناح را مدنی و برخی عوامل سرسپرده رژیم مزدور شاه و عاصری از روحانیت مرتجع تشکیل میدهند و جناح دیگر را بخش دیگر و تفریباً قوی روحانیت مرتجع محلی که بطور ضمنی از چمران حمایت میکنند و بدون شک چمران نیز از آنها. هر یک از این دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود دارو دستهای فالانتر، مخفی و غلنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری، به وحشیانه ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند. چیزی که برای هیچیک از این دو مطرح نیست و هر دو بنحوی در آن شریکند، خون سیگنا هائی است که بدست عوامل مزدورشان ریخته میشود.

البته بررسی اینکه در انفجارها و آتش - سوزیهای اخیر، جناح طرفدار چمران تا چه اندازه نقش داشته است، مطلبی است که احتیاج به گذشت زمان و روشن پاره ای مسائل پشت پرده دارد. ولی با توجه به حملات متقابل که میشود، این جناح هم از انجام این قبیل عملیات چشم پوشی نمیکند.

بقیه از صفحه ۱۴

چهار زمین جشن ...

مهم نیست که دوره گذار به چه قیمتی و مشکلات این دوره تا چه حد سخت ممکن است باشد - علیرغم بدبختی، قحطی و خرابی - ما شانه خالی نخواهیم کرد، ما پیروزمند - انه امر خود را به مقصد خواهیم رسانید.

۱۴ اکتبر ۱۹۲۱
شماره ۲۲۴ پیراودا
۱۸ اکتبر ۱۹۲۱
به امضا: ن، لنین
کلیات آثار - جلد ۳۳ صفحات ۵۹ - ۵۱

تغییر، دادن آنچه قبلاً شروع کرده ایم، با تمحیح اشتباهاتمان و با تجزیه و تحلیل اهمیت آنها با بیشترین دقت، ما به کلاهای بالاتر خواهیم رفت. ما تمام "نوره" را طی خواهیم کرد. گرچه وضع فعلی اقتصاد جهانی و سیاست جهانی این دوره را بسیار طولانی تر و بسیار مشکلتر از آنچه ما دوست میداشتیم ساخته است.

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و استعفای بازرگانان

● دولت بازرگان که با تمام خیانت پیشگی ها بیش مدت ۹ ماه مورد تائید و حمایت کامل جناح روحانیت قرار داشت اینک وجودش جزایب رساندن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی و جزجری تر ساختن مردم حاصلی نداشت.

● دودیدگاه انحرافی که در برخورد با حرکات جدید هیئت حاکمه خود را نشان میدهد

و همه حرکات رژیم ناشی از سیاست امپریا- لیستی است! (در حقیقت به حیثیت مبارزاتی توده ها که چنین عقب نشینی را به حنا جهای از هیئت حاکمه تحمیل کرده و آنها را محصور ساخته که در انطاق با موج ضد امپریالیسم، توده ها پیش روند- البته نه از یک موضع انقلابی، بلکه کا ملاد جهت تثبیت خویش- کم بها میدهد. دیدگاه دیگر که این حرکت را از موضع ضد امپریالیستی و نا کم و بیش انقلابی بخشنه از رژیم تصور می نماید یعنی دیگر ما هت این حرکات را جدا از مجموعه حرکت کلی سیستم سرمایه داری وابسته در نظر میگیرد.

اما بعد از این مطالب کلی بدینصورت برای برخورد مختصرا مسائل نگاه کنی کوتاه بر طبق بازرگان در رابطه با استعفا یی بیافکنیم: آقای بازرگان در خبرانی خداحافظی خود میگوید: "... یکی تضاد بین سازندگی است و استفاده تضاد دیگر ایست که بین خواسته ها لحاظ خدماتی که باید دولت انجام بدهد از قبیل تامین آب و برق و مایحتاج مردم و امنیت و دفاع از مملکت و از طرف دیگر این فکر بود که این دستگاه- هائی که باید این خدمات را انجام بدهد طرد میگردند و یا تمع میگردند و میکنند از یک طرف ارتش چون طاغوتی است و امپریا- لیستی، باید از سن برود. همچنین دستگاه دولتی چون دستگاهی است مسموم و ساخت و پرداخته نظام طاغوتی مظلوم است و مسبب و باید برود."

بازرگان با منطق بورژوازی و در چارچوب پیش فذخلقی خود نمیتواند هم ضرورت دفاع از امنیت- امنیت سرمایه داران وابسته به امپریالیسم- را بفهمد کند و هم تنوعی موج اعتراضات وسیعی را که خواهان نابودی ارتش فذخلقی و زوروروندن دستگاهی دولتی هستند، فروستاند که در ضمن با شیوه های جناح روحانیت هم تضاد پیدا کند باشد. و این تضاد بود که حداقل، انعکاس آن در دیون هیئت حاکمه میبایست تخفیف داده میشد. با باید کار بدست بازرگان ها میبایست که تسارع از مزاحمت های جناح روحانیت- سیاست- کام به کام- خود را در جهت تثبیت و استحکام کام بگام سرمایه داری وابسته و ضرورتا سلطه امپریالیسم به پس برند و با اینکه می- بایست روحانیت با تمهید کردن همه امور

از موج عظیم ضد امپریالیستی توده ها، اما درجهتی دیگر، در جهت حفظ منافع و تثبیت سیستم حاکم انجام شد. حال که بررسی مسئله را بدینجا کشاندیم بد نیست که با دودیدگاه انحرافی که در برخورد با حرکات جدید هیئت حاکم خود را نشان می- دهد، برخوردی مختصر بنماییم. بر طبق یک دیدگاه که برخوردی مطلقا نادرست و نکی با قضا دارد همه این سیاستها و کنش و فون- های هیئت حاکمه ناشی از یک سیاست واحد امپریالیستی است. این دیدگاه میبایست نقطه نظرات و سیاستهای جناحهای مختلف هیئت حاکمه اعم از جناح خرده بورژوازی و روحانیت- که خود نیز طبقه های مختلفی را در بر دارد- جناح بورژوازی وابسته و بورژوازی لیبرال تفاوت چندانی قائل نمیشود و چون همه جریانهای درونی قدرتهای حاکم را مستقیما به سیاستهای امپریالیستی وصل میکند، طبیعتا از درک پیچیدگیها و ناهمگونیهای حرکت هیئت حاکمه و جناحهای مختلف آن عاجز و ناتوان میماند.

دیدگاه انحرافی دیگر ناقابل شدن تضاد ماهوی و اساسی میان سیاست و خط منی بخشهای متناوب رژیم (خرده بورژوازی و رفته سنتی و بورژوازی) و تکیه بر اختلافات آنان، پیوند اساسی میان این دو بخش را منکر میگرد. بر طبق این نقطه نظر کوشی بخشهای از هیئت حاکمه میتواند عملکردی انقلابی جدا از مقتضیات نظام سرمایه داری وابسته و جدا از مجموعه حرکت هیئت حاکمه در این نظام که بدون هیچ تردیدی فذخلقی و نهایتا در جهت منافع امپریالیسم است داشته باشد. این گونه برخورد با قضا در عمل چیزی نیست جز افتادن بدام شوهرات خرده بورژوازی.

بنابراین برای شناخت صحیح و روشن از سیاستهای ناهمگون و بظاهر گج کننده هیئت حاکمه باید همواره ملزومات کلی نظام سرمایه داری وابسته و تناقضات درونی آن را در مجموعه شرایطی که این سیستم را احاطه کرده یعنی در رابطه با عامل اساسی و تسار تعیین کننده مبارزات توده ای، تضادهای درونی هیئت حاکمه و موقعیت هر یک در نزد توده ها و... مورد نظر قرار داد. نقطه نظری که در حرکت ضد امپریالیستی هیئت حاکمه توطئه های پشت پرده امپریالیسم را می بیند (تنها بجز اینگونه نظام سرمایه داری وابسته است

سراجام بعد از ۹ ماه کناکشیهای درونی قدرتهای حاکم، بازرگان محصور به استعفا شد و این جریان مقارن بود با یک حرکت وسیع ضد امپریالیستی از سوی مردم و حرکاتی از طرف هیئت حاکمه که سر غلبه آمریکا و درهما- هت کردن خود با این موج عظیم اعتراضات ضد امپریالیستی انجام شد. استعفای بازرگان را باید قبل از هر چیز محصول تناقضات و تناقضات کم و بیش خاد و وسیعی دانست که رژیم جمهوری اسلامی را از هر سو در محاصره خود گرفته بود. تضادهائی که خود ریشه در عمق بحران- نهی سیاسی و اقتصادی جامعه داشت و رشد بیش از پیش حرکات اعتراضی مردم آن را پیوسته دامن میزد. طبیعتا این وضع نمی- توانست مدت درازی دوام بیاورد و اجبارا میبایست برای نجات آن چاره ای اندیشیده شود. چرا که با وارد شدن حیثیت مبارزاتی توده ها به یک مرحله نرسیدن از انقلابی خود و با آشکار شدن افتخارات درونی رژیم مخصوص در کابینه بازرگان، موقعیت کلی جمهوری اسلامی حتی مستعد ترس و بر قدرت ترس عصر آن یعنی آیت الله خمینی بر سر پرستش سوال میرفت. بعلاوه اختلافات میان قدرتهای حاکم و دعوا هائی که بر سر مسائل و شیوه های حکومت میان جناح روحانیت و کابینه آقای بازرگان روی میداد خود عاملی بود که موقعیت هیئت حاکمه را بیش از پیش متزلزل میساخت. بدین ترتیب دولت بازرگان که با تمام خیانت- پیشگی هایش مدت ۹ ماه مورد تائید و حمایت کامل جناح روحانیت قرار داشت اینک وجودش جز آستین زدن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی و جز خریدن ساختن مردم حاصلی نداشت. بخصوص که پاره ای اقدامات توطئه- آمیز این جناح که نشانی آشکار از هماهنگی و تطابق کامل آن با سیاستهای امپریالیستی داشت، چهره رنگ و رو باخته جمهوری اسلامی را در نزد مردم بد منظر میساخت. از سوی دیگر این واقعیت را نیز باید دید که جناح روحانیت حاکم و شورای انقلاب علیرغم آنکه بخشها فذخلقی خود را در این ۹ ماه بکسرات بشدت رسانیده بود با اینحال منافع ملی و مستقیم در حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران نداشت (البته منتهای برخی عناصر متکوک). کجریه سازش آشکار و حمایت بیدریع این جناح از کابینه بازرگان و عملکردهای دیگری چون حملات جنایتکارانه به خلق کرد، سرکوب دستاوردهای انقلاب و... پیوند این جناح را با بورژوازی و پیوند غیر مستقیمش را با منافع امپریالیسم نشان میدهد، لیکن این معنای جوش خوردگی مستقیم و کامل این جناح با امپریالیسم نبوده و نیست. همین مسئله یعنی نداشتن منافع مستقیم در حفظ سلطه آمریکا با قاض و ویژگیهای جناح روحانیت متروعه طلبی و شیوه های انحصار طلبانه اش، تضادی را با جناح بازرگان با بورژوازی لیبرال ها در عین داشتن خطوط مشترک حفظ می نمود و همین امر نیز موجب کنا رگ زدن بازرگان از محنه عمل و آغاز یک سلسله حملات ضد امپریا- لی هیئت حاکمه گردید. حملاتی که بتبعیت

گام پیروزمندانه کارآموزان مراکز حرفه‌ای

مذاکره با متحصنین شدند. در جلسه‌ای با نمایندگان کارآموزان و دو نماینده مذکور، نمایندگان کارآموزان به تشریح خواسته‌های برحق خود (کارتانجمله‌میشوان به‌پاکسازی محیط آموزشی از افراد طاعونی و غیرمستول و تضمین کار بعد از پایان دوره آموزشی و در صورت عدم توانایی برای ایجاد کار دادن حق بیمه بیکاری، اشاره کرد) پرداختند که مورد تأیید و نماینده اعزامی قرار گرفت. در این جلسه قرار بر این شد که برای تأمین خواسته‌های کارآموزان - خودکارآموز - آن به مراکز خود رفته و به نفع از مریمان منتخب خود را به وزارت کار معرفی کنند تا یکی از آنها بوسیله وزارت معنوی رئیس مراکز، زیر نظر شورای کارآموزان، مسئول بکار شود. درصورت قرار شد که از هفته بعد یک هیئت از وزارت کار به مراکز آموزشی برای پاکسازی برود و با همکاری شورای کارآموزان این کار را انجام دهد. کلمه خواست - های کارآموزان مورد تأیید قرار گرفت ولی نمایندگان خواستار ضمانت کتبی شدند که چون وقت اداری تمام شده بود این کار به روز شنبه ۱۹ آبان موکول شد. بعد از اتمام جلسه مشترک نمایندگان شورای هماهنگی کارآموز - ان به میان کارآموزان آمدند، جریان مذاکرات را بازگو و بررسی کردند. کارآموزان خواستار بازگشت به مراکز و اتمام این امور شدند و گفتند اگر گوناگونی شود دوباره وزارت کار آمده و تخص می‌کنند، چون به این حقیقت پی برده بودند که تنها با اتحاد و تشکیل و یکپارچگی و اتکاب نیروی خودمستوانند به خواسته‌هایشان برسند و این اتحاد و نیروی خود آنان بود که آنها را به همین پیروزی محترم رسانید. و بعد از سه روز تخمین وزارت کار را در مقابل اراده‌شان عقب راند.

بقیه از صفحه ۲ مذاکرات...

تعیین سرشوت را برعهده خود آنها و اکدار. بایده‌شان داد تا زمانیکه پیروزی و قدرت - مندان مذهبی کمونی همان براریکه قدرت سوارند، چه خواهد و چه خواهد تنها پنا منافع امیرالسم را حفظ خواهند نمود و هر گونه انتظاری از رژیم بستی بربریمت شما - خشی حقوق حق، خلق کرد خیالی باطل است - نخواهد بود. همانگونه که مبارزه این رژیم بر علیه آمریکا مبارزه‌ای است نه پدیده قوم واقعی صدا امیرالسمی خود، سپه‌نکوبه نیز دمکرات‌نمائی آنها در مقابل حقوق مردم کرد جزعقت نشینی سکره‌سنگ در مقابل جنسش انقلابی کردستان، و جزئیاتی در جهت تثبیت موقعیت و چرخشی عوام‌فریبانه برای تنها جبهه‌ی پیش نخواهد بود.

کارآموزان مراکز حرفه‌ای شماره ۱ و ۲ و ۳ وزارت کار و امور اجتماعی در رابطه با خواسته‌هایی که از مدت‌ها قبل مطرح کرده و جوابی نشنیده بودند در وزارت کار در طبقه همکف دست به خصی زدند. بدین ترتیب که در تاریخ دوشنبه ۱۶ آبان ابتدا مراکز شماره ۳ و ۴ و در روز شنبه ۱۷ آبان مراکز شماره ۱ و ۲ به وزارت کار رفتند و متحصن میشوند. در آنجا کوشش زیادی از طرف مسئولین وزارت کار بعمل می‌آید تا متحصن کارآموزان را بدون نتیجه پایان دهد ولی هشیاری و مقاومت کارآموزان مانع از اجرای نقشه آنان میشود. مثلاً نخعی‌سام ابراهیمی که خود را مشاور وزیر اعلام میکرد نقش فعالی در این راه بازی میکرد ولی با تمام "زنگی" و حیل و گریش و غلبه می‌بود بر دین از ناگشیکهای ساواکی (مثلاً ما حاضریم خواسته‌های شما را برآورده سازیم بشرطی که اسامی خود و شماره شناسنامه و اسم پدر - تان را به ما بدهید و...) نتوانست مقاومت یکپارچه کارآموزان حرفه‌ای را در هم شکند. استدعای وزیر کار دایر بر مهلت دادن برای پاکسازی (که یکی از خواسته‌های متحصنین بود و از نظر خود وزیر هم خواست برحق بود) هم نتوانست متحصن آنان را بشکند تا اینکه یکی از عناصر ارتجاعی و مورد نفرت کارآموزان یعنی آقای فلاح (معاون مدیر کل وزارت کار) مجبور به استعفا شد و در پی آن تمام رویای مراکز آموزشی استغفا دادند. البته قابل ذکر است که کارآموزان کرج رئیس مرکز خود را که نخعی‌سام داناخی است قبلاً از مرکز اخراج کرده بودند. در روز پنجشنبه دو نماینده، یکی از نخست‌وزیری و دیگری از کمیته مرکزی به اتفاق پاراسی معاون وزیر کار خواستار

ناگربیر کنار گذاشته شدن خوش در متاسل حفظ موقعیت و حیات هیئت حاکمه اعتراف میکنند در جای دیگر با ناکدیر است که او در خط "امام" بوده و هست و خواهان "امام" در بذل عنایت خوش به همه و نه طبقه و قشری خاص بیوند درونی میان جناح خود و روحانیت را برای جلوگیری از هرگونه توهیم بسمان متناهد. وقتی با اعمال خائنه بازرگان و نقاب‌پوش با جنس نرمش و "حس نشینی" یاد میشود و وقتی با اسنهمه سرودا بازم عناصری چون جیران حلا، بهشتی و قطب‌زاده در راه امور با می‌ممانند، آقای بازرگان حق دارد انتظار بذل عنایت از سوی "امام" را داشته باشد و این بذل عنایتی است که نه به بازرگان، بلکه به پیروان و انبیرالها و پیروان‌های واسنه‌ای می‌گردد که حافظ منافع سرمایه داران وابسته و ضرورتاً حافظ منافع امیرالسم در ایرانند.

میدان را بطور کامل بدست می‌گرفت. تسلط و نفوذ جناح روحانیت هیئت حاکمه سرانجام بازی را منتفع او کامل ساخت و سیاست رژیم بر این قرار گرفت که با کنار گذاشتن بازرگان میدان دادن بیشتر به روحانیت و انطباق دادن ظاهری خود با خواسته‌های انقلابی مردم. بنوعی دیگر از میان رفتن سیستم حاکم را عقب‌بیا ندارد.

در جای دیگر آقای بازرگان به "تعدد مراکز تصمیم گیری، تعدد باخواست‌کردنها و عواملی که عمل میکند" اشاره کرده و نگرانی عمیق خود را از این که قسط‌های متفاوت اداری، اجتماعی، سیاسی، دینی و اقتصادی بر مملکت حکم رانند و هرج و مرج ناشی از این چندگانگی قدرت ابراز دارد... آقای بازرگان از این نگرانی و بدترستی نیز نگران است که با اینهمه آقا بالا سر میدان گرفتن بیشتر از پیش روحانیت، با سیاست‌های سنگ‌نطراشه و انحمارطلبانه و شیوه‌های سیاسی آواره برای پیشرفت امور و تثبیت اوضاع و احوال در جهت حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته هموار گردد و این مسئله‌ای نبود که با ملاقات وی با برزیل و سبب اشغال سفارت آمریکا مستقیماً مربوط باشد. این اختلافی بود که از همان ابتدا در رابطه با چگونگی فرونشاندن بحران‌های جامعه میان دو جناح تصمیم‌گیرنده در هیئت حاکمه، روحانیت با موقعیت مسلط و درعین حال با شیوه‌های ارتجاعی، کورکورانه و بی‌برنامه‌اش و دولت با موقعیت ضعیف و درعوض با برنامه‌ریزی آگاهانه تر در جهت حفظ سلطه امیرالسم وجود داشته است. بازرگان خود در اینباره میگوید: "این اواخر گفته شده که اشغال سفارت آمریکا و نت و شتوهای بعد از آن موجب استغفا شده ولی بهیچوجه این صحیح نیست. این مسئله خیلی مسئله قدیمی تر از این زمان اخیر بوده است چرا که به گفته خود بازرگان او قبلاً نیز با بیش از دویست وزیر و سفیر ملاقات کرده و هیچ مسئله‌ای نیز پیش نیامده بود.

آری، همانطور که بازرگان خود اعتراف میکند مسئله نه ملاقات وی با برزیل و سبب بلکه اساساً این بستی بود که در رابطه با خاد شدن بحران‌های همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اوجگیری جنسش، آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت ضد خلقی هیئت حاکمه و افتخاغات بی در پی دولت گریبان رژیم را گرفته بود و در این رابطه اختلاف میان جناح‌ها، بعد قبیله را بسیار حادتر و همه - جانبه تر می‌ساخت. بازرگان در این باره می‌گوید: "چون مادر مرحله‌ای رسیده بودیم که می‌دیدیم بن بست است و دیواری جلوی ماست و ما نمی‌توانیم جلو برویم و راه از خبر طرف بسته است و... استغفا من بدنیال استغفا مگر و متوالی همکارانم نبود". میبینیم که بازرگان در اینجا به ضرورت

- اصل نوزدهم -

در جمهوری اسلامی مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مذهب آنها، سبب امتیاز نخواهد بود.

سیاست رژیم کنونی درباره مسئله ملی در طول چند ماهی که از عمر او می‌گذرد، بقدری روشن و واضح است که نیازی به هیچگونه توضیح و بررسی ندارد.

امروز سبزه‌زار هر روز دیگر آشکار شده است که سیاست رژیم کنونی در مقابل خلقهای تحت ستم، چهری جز نفی کامل حقوق آنها و لنگر-کشی بر علیه آنها نبوده است. رژیم حاضر در برابر خواست بحق و عادلانه خلقهای ستم کسب حق خود محاربی، ریشه کن ساختن مشودا-لیسم و... کارزار تبلیغاتی سر تا پا دروغ و نیرنگ را بر علیه آنها برپا نداشته است. رژیم کنونی با استفاده از عناوینی چون "تجزیه طلبی"، "مداخلات"، "عامل مهبوسیم" و مد ها نمونه دیگری کرده است تا اهداف خلقهای تحت ستم را لوث نموده و مردم را نسبت به آنها بدبین سازد.

نمونه‌های بالا بتدریج واضح و گویا هستند که در این مورد حای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد که رژیم حاضر به هیچوجه نمی‌تواند به حل فطمی و عادلانه مسئله ملی دست یزد، نمی‌تواند برابری کامل و واقعی خلقها را تأمین کند و...

در واقع وقتی "خبرگان" رژیم حاضر در مجلس ادعا می‌کنند که از نظر آنان مردم ایران از "حقوق مساوی" برخوردارند، کارشان معنی دیگری جز مردم فریبی، تحمیل نموده‌ها و واژگون نشان دادن واقعیات ندارد. آنها صاف و ساده دروغ می‌گویند.

آنها دم از تساوی حقوق مردم ایران می‌زنند، ولی حتی کارهای هم از اینکه مردم ایران شامل چه ملیتهایی هست و اصولاً آنها مقوله‌ای بنام "ملیت" را به رسمیت می‌شناسند یا نه، بی‌زبان نمی‌آورند. در واقع آنها وجود ملیتهای مختلف را در ایران که عبارت از فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن می‌باشند، انکار می‌کنند.

وقتی "خبرگان" رژیم در اصل فوق عبارت "قوم و قبیله" را بجای "ملیت" و "رنگ و نژاد" را در کنار "زبان و مذهب" آنها قرار می‌دهند عدم درک خود را از "ملیت" و "مسئله ملی" رسمی و قانونی می‌کنند.

به آنها باید گفت: آقایان قوم و قبیله یک چیز است و "ملیت" چیز دیگر. این دو شکل و سطح متفاوتی از روابط انسانی را بیان می‌کنند. ملت آن روابط انسانی است که تکامل یافته، "قوم و قبیله" بوده و با پیدایش سرمایه‌داری و بهم پیوستن بازاریهای کوچک

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (قسمت آخر)

ملی بهم، بوجود آمده است. در حالیکه قوم و قبیله مربوط به دوران ماقبل سرمایه داری است. اما تجزیه که در این میان سی‌معی بوده و آوردن آن در کنار حقوق خلقها سهوا می‌تواند خنده‌آور باشد. "رنگ و نژاد" است که هیچگونه ربطی به "قوم و قبیله" و "ملیت" ندارد. جای "رنگ و نژاد" به در اصل مربوط به حقوق خلقها بلکه در اصل مربوط به "تبعیض نژادی" است!

کند، رادیو گوش کند و... یعنی خبرگان رژیم اعلام می‌کنند که کتب درسی باید با این زبان باشد و "استفاده از زبان محلی... در کنار زبان فارسی آزاد است." درست به این شبیه است که پرنده‌ای را در قفس آهنین اسیر کرده و بعد برای او نغمه‌سرای کند که تو علیرغم اینکه باید در قفس سبایی ولی می‌توانی در کنار "آب و درخت"، آزادانه پرواز کنی. اینست مفهوم واقعی آن "آزادی" که خبرگان رژیم ارائه می‌دهند. آنها این حقیقت ستمی از مردم ایران را که زبان مادری خلقها باید زبان رسمی آنان باشد و دولت می‌باید تمام امکانات را در جهت تحقق آن فراهم آورد با وقاحت تمام انکار می‌کنند. ولی خلقهای ایران را مجبور می‌سازند به سهام ۱۶ اجباراً به آموزش زبان عربی از پایان دوره ابتدایی تا متوسطه بپردازند.

● قراردادن "قوم و قبیله" بجای "ملیت" و آوردن "رنگ و نژاد" در کنار "زبان" تنها رسمیت دادن به عدم درک خود از "ملیت" و "مسئله ملی" است.

● حقوق مساوی مردم ایران تنها از طریق تحقق بخشیدن به خودمختاری واقعی امکان پذیر است.

● لشکرکشی به کردستان و بستن بدترین تهمتهای به "ملیتها" بهتر از هر سندی سیاست رژیم را در این مورد آشکار می‌کند.

● "خبرگان" حق مسلم نیمه از مردم ایران را که زبان مادری خلقها با یزد زبان رسمی آنان باشد، انکار می‌کنند ولی خلقهای ایران را وادار می‌سازند بنا بر اصل ۱۶، اجباراً زبان عربی یاد بگیرند!

از طرف دیگر در این اصل حتی کلمه‌ای هم درباره چگونگی تأمین حقوق مساوی خلقها نمیتوان یافت. بخصوص در شرایط کشور ما که این ملیتها سالهای سال تحت تبعیض ملی فارسها قرار داشته، از حقوق ملی خود محروم بوده و حتی فاقد حق استفاده از فرهنگ و زبان مادری خویش بوده‌اند. بدون روشن کردن راه تأمین واقعی حقوق مساوی خلقها، "حق مساوی خلقها" چه معنی می‌دهد؟ اما آیا سکوت اصل در این مورد سهوی بوده است؟

برای اینکه این امر روشن شود و منظور واقعی "خبرگان" رژیم از عبارت "حقوق مساوی مردم ایران" و همچنین علت سکوت آنان در مورد راه تأمین واقعی این حقوق معلوم گردد، کمی به گذشته برمی‌گردیم: اصل ستم و یک اعلام می‌کند که: "زبان و خط رسمی و متحرک مردم ایران فارسی است و متون و اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد..." معنی واقعی این عبارت برای یک ترکمن، یک ترک، یک کرد و... مثل اینست که یک فارس را مجبور کنند تنها از اول دبستان بزبان انگلیسی درس بخواند، بحث

معنی خلاصه اصل نوزدهم چنین میشود: زبان و خط ملیتهای غیر فارس میهمان اجباراً زبان و خط فارسی بوده و آنها تنها "آزادند" که در کنار زبان فارسی از زبان خود نیز استفاده کنند. آنها در اصل مربوط به بدین مذهب رسمی ایران که در شماره قبلی پیکار به بررسی آن پرداختیم، مذهب رسمی ایران را نشانه اعلام می‌کنند و با اینکار خود مذهب اکثریت ملیتهای تحت ستم ایران را که غیر شیعه است، از رسمیت می‌ندازند. آنان علاوه بر اینکه قدمی در جهت انحاد برادرانه، خلقهای ایران بر نمی‌دارند، بلکه با دامن زدن به اختلافات مذهبی، هر چه بیشتر حس برتری طلسمی (نژادپرستی) را تقویت کرده و خلقها را نسبت به هم بدبین می‌سازد.

کمونیتها همیشه از برابری کامل حقوق خلقهای ایران دفاع می‌کنند، و در این راه نه فقط دفاع بلکه آزار تا میسر و تحمیل می‌نمایند. یعنی برابری حقوق خلقها را در عمل نیز پیاده می‌سازند. طرح آنها روشن است: تنها با بی حق تحمیل ستم و در شرایط

بقیه در صفحه ۲۱

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

- ۳ -

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً به هیچ وظیفه، مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود..." (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

(۶) - کمونیستها و مسئله ملی

برای کمونیستها مسئله ملی جدا از مبارزه طبقاتی مطرح نیست. بورژوازی ملیت های متعدده خواهان در اختیار گرفتن کامل بازار داخلی و استقلال سیاسی و اقتصادی برای به جریان انداختن آزادانه سرمایه و استثمار زحمتکشان است. در حالیکه مبارزه ملی و لناریا و زحمتکشان ملیتهای متعدده بخشی از مبارزه طبقاتی آنان علیه نظام استثمار گرانه است. ناسیونالیسم بورژوازی تنها خواهان امتیازاتی برای خود در یک سرودده نظام کالایی است، تا با دست بازتری به بهره گیری از نیروی کار زحمتکشان بپردازد. این ناسیونالیسم تنگ نظرانه میگوید تا میزان پرولتاریای ملیتهای مختلف شکاف انداخته و با نیروی توده ها استقلال سیاسی و اقتصادی را برای خودنا من کند. برای بورژوازی "ملیت" بمعنی بازار ملی است ولی زحمتکشان ملیتهای مختلف اشتراک منافع واقعی دارند و مبارزه ملی تا آنجا که به پیشرفت مبارزه طبقاتی و وحدت پرولتاریا کمک کند به سود او است. از اینرو: "ساست پرولتاریا در مورد مسئله ملی (و نیز در مورد سایر مسائل) فقط در جهت معینی از بورژوازی پیشینیا می کند، اما هرگز سیاست آن انطباق نمی یابد. طبقه کارگر فقط منفع ملی (نه بورژوازی نمی تواند آن را بطور کامل تأمین نماید. و فقط در صورت دموکراسی شدن کامل قابل اجراء است) - منفع و برابری حقوق و منفع فراهم نمودن بهترین موجبات برای مبارزه طبقاتی است. (لنین) بورژوازی پیشینیا می نماید. (لنین) "درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" ملی و همبستگی و برابری ملیتها فقط با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق و بطور کامل با استقرار سوسیالیسم تأمین خواهد شد. کمونیستها همیشه بطور اصولی از "حق ملل در تعیین سرنوشت" و اصل اتحاد داوطلبانه، خلقها پیشینیا نمی کنند. ولی برای کمونیستها مبارزه ملی از امر پیشتر مبارزه طبقاتی پرولتاریا و وحدت زحمتکشان ملیتهای مختلف (در مقابل ناسیونالیسم تنگ نظرانه بورژوازی) جدا نیست و شناختن "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" تنها طریق اصولی تحکیم چنین وحدتی است. ولی اینکه مسئله ملی به چه نحوی حل خواهد شد، کاملاً بشرایط مشخص تاریخی و امربیشتر مبارزات پرولتاریا بستگی دارد. مسئله مهم نگاه ملل مبارزه طبقاتی پرولتاریا است.

همیشه بار محرومانند تنزل نخواهند داد. حال نگاهی به بیانیه بیفکنیم: (فدائیان خلق) " جوانانی هستند که بنابه جوهر خود در برابر هر ظلم و ستمی که روا میشود و در هر کجا که حق کشتی و زورگویی باشد... به اعتراض برمیخیزند. فدائیان فدائی خلقند" و باید بیاوریم سرود انترناسیونال را: " رهائی پرولتاریا امروز پرولتاریاست!"

۳ - در ابهام قرار دادن
مرز انقلاب و ضد انقلاب و فرار
از برخورد مارکسیستی با

ما هیت هیئت حاکمه

کمونیستها همیشه طبقات متخاصم را به روشنی تمیز کرده و برخورد های موجود در جامعه را از دید طبقاتی تحلیل مینمایند. حال نگاهی به بیانیه بیفکنیم: "... اما از آنجا که حاکمیت (؟!) بنابه ماهیت طبقاتی (؟) جریان مبارزات فدا میریالیستی مردم را در نیمه راه متوقف نمود..." "در یکطرف بوده هائی قرار داشتند که خود را آزاد شده احساس میکردند، از طرف دیگر عوامل مزدور (ا) و سرپرده رژیم سابق..."

بیانیه با تحریف و مبهم کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب چنین میگوید: "خلق کرد در مورد ضد انقلاب در منطقه میگوید: ضد انقلاب عبارتست از خانها و فئودالها و بقایای مزدوران رژیم سابق (بالمریان و سالار خا و غیره) و سایر مرتجعین محلی. گمانیکه با خواسته های حق طلبانه خلق کرد به مخالفت برخاسته و در راه..."

گویی خلق کرد با آنه و ناله و با استرحام دولت شووویت و ضد انقلابی را خطاب قرار داده که: " اشتباه نگمید آقا بان انقلابی! ما ضد انقلاب نیستیم، ضد انقلابانها و عوامل رژیم سابق هستند. " گویی برای بورژوازی حاکم که راه خیانت و متوقف کردن دامنه انقلاب را در پیش گرفته است، ایداجائی در صف ضد انقلاب نیست. ولی طفره رفتن از واقعیات کار را به تناقض گویی میکشاند. چه در همین بیانیه در جایی دیگر از قول خلق کرد میگوید: " ما خواستار خودمختاری در چهارچوب ایران آزاد و دموکراتیک هستیم و این امر تحقق نخواهد یافت مگر با سرکوب و نابودی تمامی فئودالهای چپا و لگرو مرتجعین محلی و بهشتی قاطعانه مبارزه فدا امیر - بالیستی و ضد سرمایه داری وابسته "

"بورژوازی همیشه خواسته های ملی خود را در درجه اول قرار می دهد و آنها را بدون هیچ محدودیتی مطرح می یازد. برای پرولتاریا این خواسته ها تابع منافع مبارزه طبقاتی است. از نظر تئوریک نمی توان از این پیش تصمیم گرفت که آیا این خواسته ملیت است که انقلاب بورژوازی - دموکراتیک را ایجاد می نماید و یا سرمایه داری را. اما ملل دیگر، چری که در برخورد مورد برای پرولتاریا مهم است تا این نگاه ملی داشته، مردمی باشد. (لنین) همه جا، تا کندها از ما..."

(۷) - مبارزه ملی - طبقاتی در کردستان و نحوه برخورد رفقای فدائی در توضیح ماهیت آن

" بیانیه س. ج. ف. خ. درباره کردستان " بدلیل آکنده بودن آن از بیشترین لیرالی و دید ژورنالیستی خرده بورژوازی که تحلیلات بارز تفکر و شیوه برخورد خرده بورژوازی را بنمایش میکشاند، سطر به سطر آن را قابل انتقاد می یازد. از پرداختن به جزئیات سعی میکنیم "روح" موجود در بیانیه را که در پس عبارات آن نهفته است بیرون کشیده و عمده ترین جلوه های انحرافی آن را برشماریم.

۱ - دید ایدئالیستی و اومانیستی خرده بورژوازی

کمونیستها هیچگاه آرمان مبارزه برای امر پرولتاریا و زحمتکشان را با ایده های تحریفی و اومانیستی دفاع از "محرومان" مظلومان، ستمدیدگان محدود نمیکند. حال به بیانیه نگاهی بیفکنیم: کسی که راه حق و حقیقت را پیش گرفته است، کسی که از مظلومان، از ستمدیدگان، از کارگران و دهقانان دفاع میکند بی تردید مورد طعن و لعن قرار میگیرد... راستگویی و حقیقت گویی و دفاع از حق محرومان بدون شک ما حیان قدرت را بشم می آورد."

۲ - تحریف مفهوم پیشرو و دید "تمام خلقی"

کمونیستها هیچگاه مفهوم روشنفکر انقلابی طرفدار طبقه کارگر را تا حد "فدایی خلق" و "عبارانی که بنابه "جوهر خود"

توضیح:

بعلت زیاد بودن حجم مطالب محدودیت ما در اضافه کردن صفحات سلسله مقالات "درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی" را در شمارهای آینده پس از خاتمه مقاله "دوشیوه برخورد..." ادامه خواهیم داد.

نظا هرات ضد امپریالیسمی

بفر میرسد ما بند هشت در خلوت هرات کنگدگان سز شدند و با دادن شمار "امام" ما عمل دارد. فرصت طلب شفا رداره "حالت و آلت بدست ندنشان را با ردیگریان دادند. سرسنان یک حبیب استیش آبی رنگ که مربوط به پاداران بود. نزدیک عمارت سعی کردند با آتوب و بلوا و تحریک مردم " که سه فریاد برسد... کنگ کاری شده " نظا هرات را برهم برسد. ولی توطئه آنان حتی شد، چه گروه های مردم با این استدلال که نباید درگیری شود، چرا که درگیری باعث آمریکاست به نقشه پاداران توجیهی نگردند. نظا هر کنگدگان با حفظ مناسبت کامل خود در مقابل اوباشان و فالانژها، در پاشان نظا هرات نظم نامه ۸ ماده ای خود را فزایش کرده و سپس پراکنده شدند.

که سراسر ایران آزاد کرد. رژیم ایران همچنان که نمی تواند به آزادی سراسر ایران از منطقه و معوضه امپریالیسم جامعه عمل بنویسد، به آزادی خلق های تحت ستم مصاعف نیز نمی تواند تحقق بخشد. آزادی خلق های تحت ستم و آزادی سراسر زمین هاان ذو روی یک مدالند. که سروری آن با حروف در عبارت رسوخ گردیده است: "جمهوری دمکراتیک خلق!"

★ ★ ★
مادران بخا بر سر جود را از سر جی مضمون قانون اساسی به پاشان می برسم. خبر آنکس که متقدم خلق ایران است این است ایکبار مدخلی را اگر بدامروز، که فردا پاره پیاره خواهد کرد.

اکنون مادران را با خودم قانون اساسی شاهد های و هو می دما میرا لسنی رژیم هستیم. که می نرود علاوه بر آنکه می تواند او را از ختم انقلابی نوده ها مضمون نگاه دارد، بلکه زمینه جسی مناسبی نیز هست برای اینکه بادت خالی به پیشتواز رفتار خودم برود... او امروز بیش از هر زمان دیگر به رای نوده ها نیازمند است تا تلخ کامی یکسخت با جبارش در انتخابات ثورا های فلالی را بران نموده و میزان اعتماد نوده ها را به خود مورد سخت قرار دهد. اما از آنجا که نژات آنها به درجهت نامین خواستهای نوده ها و به درجهت نامین سرما بداری وابسته به امپریالیسم، بلکه ممکن درجهت پیش پا زدن به تمام خواستها و آرزمان. های مقدس خلق های ایران و تثبیت موقعیت امپریالیسم در ایران است. با چار آس سلاتن آنان نیز سر نوشتی چر شکست کامل نخواهد داشت. و آنگاه نوده ها با ویران با خن کامل نظام سرما به داری وابسته به امپریالیسم، جمهوری دمکراتیک خلق را برپا خواهند داشت.

روجمه (۵۸/۸/۲۵) به دعوت دانشجویان پیشکام عده کثیری از هموطنان مبارزان فلالی مادر یک گروه های مدامیرا لسنی در دانکده پلی تکنیک تهران گرد آمدند. در این گرد هم آشی درباره امپریالیسم ولزوم محوکا مل سلطه آنان صحبت شد. در پاشا ها که فزایش شد و در سخنرانی ها، به خیابان امپریالیسم اشاره شد و سازگاری و خیانتکاری موه خسان انقلاب افشا گردید. سپس جمعیت حاضر که تعداد آن به ده ها هزار نفر می رسید، سوز شعار ت آمریکا راه پیمائی کردند. در دانکده و در طول راه پیمائی ده ها هزار هموطن مبارزان فلالی ما فریاد بریدند: خلق ما می ریمد، آمریکا میلورد - چه قدرت نوده ها، توطئه آمریکا، دیگران را در اتحاد، اتحاد، زحمکنان اتحاد، علیه امپریالیسم - آمریکا تو حالیست و بنام گواضت و... گروهی فالانژ که تعدادشان به ۸۰ - ۷۰

بقیه از صفحه ۱۹ نگاه های به...

متنص میهن مان، شناسایی حق خودمختاری واقعی و ریشه کن ناخس بقایای مژودالسم. از نظر کمونیست ها خودمختاری واقعی بصورت زیر عملی می شود:

۱- خلقها اداره امور را داری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی سرزمین آبا و اجدادی خود را باید دست گیرند. این امر مناسبت تکمیل آنها در سازمانهای نوده ای اعم از کارگری دانشایی زبان و معلمین و... و اتحاد مسخیم طغیان خلق در مقابل سرما بداران و زمین داران و... به مژودالها ویران عناصر

۲- زنان مادری خلقها باید ران رسمی آنان در کلیه و مسئله ها باشد. این امر بر خیز از طریق آموزش اجباری و تدریس کنگد درسی و ادبی بران مادری امکان پذیر نیست. ران فارسی که ران مشترک، کلید، خلقها ست تنها در کنار زنان مادری تدریس می شود.

۳- ریشه کن ناخس ستم ملی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت واقعی تنها وقتی میسر است که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کلمه زمینه ها ریشه کن گردد. یعنی خلقهای تحت ستم وقتی به آزادی واقعی خواهند رسید

حفظ و بازسازی سیستم سرما به داری وابسته سازش با امپریالیسم و بقایای مژودالسم و ممانعت از پیشرفت دامنه انقلاب دمکراتیک با سرکوب زحمکنان و خلقها، با آنکه مبارزه با اعلان با بهمان حزب؟ حال نگاه می به بیانیه می کنیم: " هسته اصلی این مبارزه، جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آنست."

(ادامه دارد)

۴ - پرده پوشی

مضمون طبقا تی حرکت هیئت حاکمه

کمونیستها مافع طبقا تی را تعیین کننده حرکت طبقا تی دانسته و هیچگاه با پرده پوشی مضمون طبقا تی جرکات طبقا تی حاکمه سمور طبقا تی برولن را و زحمکنان را زایل نمیکند. حال نگاهی به بیانیه می کنیم: " آنان که سارگی بقدرت رسیده اند (؟) بنا سنگ بنی، ایحار طلبی، سرنری خویشی، ندام کاری و محاسبات غیرواقعی و خیالی خود جنگی نوم، ناخواسته و خامان براندار رادرختی از میهن ما شعله ور ساخته اند." " سازمان جرکهای فدایی خلق... نمی تواند و نباید برای جلب نظر آنان که اشتباه می کنند و اشنا هتان بقیمت خبون هزاران هم میهن ما تمام میشود... از بار گوگرد حقایق برای مردم میهن خویش چشم میبندد."

" حوادث بقده، مروان و اکنون پاوه در سراسر کردستان بان میدهد که نوده مردم کرد اعتمادی به سیاست سروهای حاکم دارد و این واقعیتی است که باید انگاشتنی آن اشنا باید انگاشتنی واقعیات به سماع طبقا تی !! عامل اصلی تول به راه حل نظامی و لنکرکشی به کردستان است."

۵ - تزلزل خرده بورژوازی

در افشای عملیات جنا بیکاران

کمونیستها در محکوم کردن و ناخس بر حمایتکاری ارجاع صحنه ها کلمات بازی می کنند و ارفشای واقعیت بندید ترس و جبهه ممکن هراسی بدل راه نمیدهد. حال نظری به بیانیه می کنیم: " اگر راه حل نظامی و سرکوب شدید خلق کرد و سایر خلقهای می نواست چاره !! کار با ندم ملعاً مدتها قبل نتیجه داده بود..." و این واقعیتی است که باید انگاشتنی عامل اصلی تول به راه حل نظامی و لنکرکشی به کرد ستان است..." چرا بالنکرکشی نظامی به کردستان مخالص ؟"

اشتباه نکنید! این عبارات، نگاشته یک ژورنالیست لیبرال و یا "روزنامه مردم" نیست بلکه از آرس ج.ف.ج. است. معمولاً اصطلاح مخالف با راه حل نظامی از طرف لیبرالها بقصد سکوت در برابر "اصل مطلب" و سخت در باره "روش" بکار می رود.

۶ - تجلی "پیشتر از اندیشی"

در بیان علت بروز

جنگ و هدف آن

علت واقعی بروز جنگ در کردستان چه بوده است؟ خیانتکاری بورژوازی به انقلاب

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

افترازی های تازه روی بونیست ها

روبروی بونیست های توده ای همچنان به راه و کوشش و استمرار بی خود علیه سروهای انقلابی ادامه می دهد. شعب آوریست که کما نشی رهبران و سازمان های مترقی و ندا میرالبتنی را وابسته امیرالبتسم معرفی میکنند که هر چند که یکی از اعضای سرسازمان ساواکی از آب درمی آید (ماجرای ساواکی بودن مسئول ابالتنی "حزب" توده در افغانستان را همس چینی ماه پس در جریان انتخابات مجلس خبرگان" همه می دانیم).

"سازمان انقلابی رحمتگان کردستان" را همه رحمتگان و سروهای انقلابی و بونیست رحمتگان کردستان بخوبی می شناسند و مبارزات دموکراتیک و ضد امیرالبتسمی این سازمان م.ل را در سالهای گذشته (همان سال) هائی که خاچن کردستان روبروی بونیست برای شهادی دلاور کمونیست، انگ صباغ مرخند و آبان را در راه و روی "حزب" خود رهنمود و شدن با یوزواری و اسبه برای می خوانند و بونیست دفاع قهرمانانه، این سازمان را در جریان اخیر در سرخند افغانستان هشت خاکمه کردستان ساد دارم.

بما برای این حزب خاش توده ما چه... افترا بیستی هائی فعلی خود را در سرخند و بونیست مخصوص خلق کرد و سروا برمی آورد. اما با بونیست بخاطر آوریست که در روبروی بونیست و بونیست بوسیال امیرالبتسم در اسناد دهنی این گروه مبارزه با گروهها و سروهای راستی کمز - نیمتی رایش میبرد. سرادران امیرالبتسم در عراق، در انجمنی در سرخند هائی ناشی و ضد حلتی، در سرخند ولودان کمونیست در سرخند کمپا را کرده اند. و در ایران سرخشی کاری را با آنها هم و افترا تروغ کرده و امیرالبتسمان دادن خوش رقصی در مابل "دادگاه های انقلاب" و دعوت از آن برای میگردد انقلابیون، سید، تازه ای به اسب شود، خود داده اند. و بونیست اگر در دادستان سرخند این شوه های سرخند - گرانتهان را سرخند سرخند خواهد داد. و جز این از کسانی که به آلمان طبعه کارگرها شد، کرده اند انتظاری نیست. ■

در سرخند هائی که توطئه های حیث خاکمه در سرخندی خلق کرد و توطئه های وسیع آن در سرخند اسکند غوا مل صدا غلاب وابسته امیرالبتسم و اسرائیل در کردستان توطئه میکنند، نقش سر آت شده و روبروی سرخند هائی که سرخندی به اسب مسئله آتاکا هائی میثا اسکند در کردستان به غوا مل آمریکا و اسرائیل بلکه خلق دلاور کردستان که برای حقوق ملی و وطنی خود می رزمند، روبروی بونیست های خاش حزب توده هنوز به همان توطئه های کینه هشت خاکمه ادامه می - دهد. اسان که امروز در سرخند هائی از حیث خاکمه و اندامات صخلتی آن در کردستان گوی سفت را از مرتجع ترس عوامل درون هشت خاکمه نیز برده اند. همچنان با تحریف مبارزه غا دانه، خلق کردا دعا میکنند که "صدا غلاب" در کردستان را غوا مل ساوا و امیرالبتسم رهبری میکنند و ما "مذاکرات خلق" اند. آنان در این توطئه ها بانیست هائی به خاش رسیده اند که در روزی نامه "مردم" می نویسند: "ما دیگر در حوادث خوسار کردستان دیده اند که دست خاسما را، امیرالبتسم خاسما و الزامات نامه باغ و ساواکی اعلام شده عمل نمی کند، بلکه میتوان از اسب آن خاسما را برای نام گرفته ولی هیچ وجه مترکی با جبر استیغی طرفداران امیرالبتسم در اردو و رانجیب هائی است، سرخند آنند. کینه می شود که کسی از سازمان خاسما در اولی و فاع اخیر و حمله به سرخند ارتش، خلال الدس حسنی است. خلال الدس حسنی رفقا را که گفته میشود وابسته یک سازمان ما نوشتنی نسام "سازمان انقلابی رحمتگان کردستان". این سازمان ما نوشتنی زیر دس نام غوا مل فریب - نه ای مستغما با صوبیست ها و آمریکا شها در تمام است. (۱) توده های آگاه هجگاه فراموش نخواهند کرد که همین ۷ ماه پیشتر عین همین ترهات را در باره سازمان ما عنوان کردند و دیدیم که چگونه با بی آروشی هر چه نما متر محبوس به عقب نشینی شدند و ادعای خود را منکوت گذاردند. اما معلوم میشود که

■ - مردم، شماره ۸۴، دوسمه ۱۴ آبان ۵۸

توضیحی در باره بیانیه اخیر "کنفرانس وحدت"

اخیراً رسانه های توسط "کنفرانس وحدت" در سرخند "سازمان حرکت های فدائی خلق" "آسار نامه اسکند چون امضا" مایر آن ساد شده است. اساره مختصر سر را در اینجا لازم می دانیم.

غلت عدم شرکت ما در این موضع گیری اساساً در رابطه ساد و استیضا و دو بینش کاملاً معادی بود که از جکوشی همکاریها در سرخند آن پس آمد. ما با این استیضا و سرخندار کنفرانس که همکاریها جز سرخند آن شمار برنده، سنوان یک امر حاشی و در موارد منحصر و با توافقی یک تک اعضا آن امکان پذیر است. آن توجه می نمودیم.

در سرخند رفقای شرکت کنند در کنفرانس این اسب همکاری را در جابجوب نظرات و مواضع اعلام شده و هها به تنها لازم نموده بلکه با استیضائی که ارائه می دادند، گروهها را متعهد می نمودند که در اسب جابجوب حتماً به همکاری دست بزنند. براساس این ارتباط در سرخند رفقا اکثریت اعظم کنفرانس نظرات بر انجام یک سرخند معطلی و با استیضا اعلامه ای در جابجوب نظرات اعلام شده گروهها ساد و لو با مخالفت اقلیت (سر دلیلی)، کنفرانس می تواند چنین اندامی دست بزند.

با توجه به اسکند اسب اختلاف نظر از نظر با یک امر اصولی شمار برنده و اقدام عملی بر اسب آن را ما سرخند سرخند و هوب کنفرانس از نظر خودمان می دانیم. در این اقدام شرکت نمی دیم.

ما فعلاً بهیست سرخند را ساد اکتفا میکنیم و نظرات سرخندی و اسفادی خودمان را ساد و پس از طی جریان مبارزه ایدئولوژیک دروسکی کنفرانس مطرح خواهیم نمود.

در باره مضمون موضع گیری کنفرانس هم با این دلیل که باروی دادن اسب سانیسه بدلائل فوق مخالفت داریم سرخند هائی نمی کردیم و توضیحی که در این باره نوشته بودیم متأسفانه بدلیل تکنیکی بدست رفقای کنفرانس نرسیده است.

درخواست از هواداران

بر دل از ما راندا شته ما شد و پروا حشمت که این اشکال به ما مرتب لیغ و ترویج ما در سطح گسترده توده ای لطافات جدی میزند. اما مسلماً این کار راه حلها - نی دارد که در اسب آنها کمک و یاری رفقای هواداران را در گرفتار کرد. رفقا! ما بدون کمک و یاری شما نمیتوانیم تیراز پیکار را با لایبریم بنا بر این از هر طریق که میتوانیم

رفقا! هواداران! ما در انتشار پیکار، از نقطه نظر بالابردن تیراز آن با اشکالات جدی مواجه هستیم، همین امر باعث شده که ما نتوانیم پیکار را با اندازه مورد نیاز تکثیر کرده و در اختیار کلیه رفقا و خوانندگان بگذاریم. به همین علت از آغاز تنها جم گسترده و ضد دیکرا - نیک هیئت خاکمه، یعنی از شهر یوزو ماه تا کنون پیکار بطور مرتب بدست رفقای هواداران دیگر خوانندگان نرسیده است و غالباً رفقا محبوسند که آنرا دست بدست بگردانند و مسلماً چنین وضعی باعث گردیده که پیکار

را در اینکا ریاری رسانید. پیشنهاد - آتی که ما در این مورد داریم: ۱ - از هر طریق که میتوانیم امکانات چاپی و تکثیر خود را با ما در میان بگذارید تا ما رهنمودهای لازم جداگانه استفاده از این امکانات بعمل آید. ۲ - هسته ها و سلولهای انتشاراتی ایجاد کنید و از این طریق چه پیکار روچه اعلامیه ها و تراکت های سازمان را تکثیر کنید.

پسروز باشید

خلق‌ها در سوگ زلزله خراسان



حکمرانت نمیتوان بهر حال و آتش دست یافت. اندیشه سوسالیم، رهایی از چنگال حاکمیت برپا بهای امیرالایستی و وابسته روز بروز بیشتر در نزد چنگال محبوسیت پیدا میکند. در چنین شرایطی است که امروز بیش از هر زمان دیگر، مونس جنبش کمونیستی و توده‌های زحمتکش مرورت پیدا میکند.

رفقا! هواداران!

۱ - برای کمک کوتاه مدت و زیرساختی به هم‌میهنان زحمتکش ما در خراسان، اکیپ‌های امدادی در مناطق مختلف بوجود آورید.

۲ - با ایجاد صندوق‌های کمک در کارخانجات، مجلات، دانشگاه‌ها، مدارس و... اقدام به جمع‌آوری کمک‌های نقدی، وحشی و کرده‌آنها را در اختیار اکیپ‌های امداد قرار دهید.

۳ - با پیوند یافتن با روستایان زلزله‌زده، آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک را به میان آنها بریزید. در میان آنها تبلیغ کنید که چشم‌انداز آینده "کمک"‌های گروه‌های انحراف طلب حاکم که حداکثر می‌توانند برای ممکن برای یکی از دردهای بیشمار زحمتکشان باشد، نیستند. برای روستایان با زبان ساده توضیح دهید که بظرف سیل زلزله، یک "تلاش ازلی" بلکه محصول روابط ظالمانه انحراف طلبی است که در از طریق نابودی سرمایه‌داری زاینده و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق آریین نخواهد رفت. حاکمیت مبارزه انقلابی خلق کردار در میان روستایان تبلیغ کنید و آنان را در جریان مبارزه طبقاتی و عدا میربالیستی زحمتکشان و خلق‌های ایران قرار دهید. در کنار کمک‌های خود به روستایان چه از طریق تماس نزدیک و چه از طریق تراکت و اعلامیه به آنها توضیح دهید که چرا هیئت حاکمه تلاش میکند مانع از کمک مستقیم با زبانها و تروهای انقلابی و مترقی به آنان گردد.

۴ - اخبار و تجربیات و مشاهدات خود را، بوسه عکس‌گرفته‌های بظرف خبرخواهان و کد پروت-انه گروه‌های انحراف طلب حاکم را بر سرای سازمان ما ارسال کنید تا در نشریه پیکار منتشر سازیم. ■

را از دست داده و آواره شهرها و روستاها شوند، چیز عجیبی نمی‌تواند باشد.

همزمان با وقوع زلزله در جنوب خراسان و اطراف فارس در اراک و بفرار هم‌میهنان ما که خود در شرایط کم و بیش مشابه با روستایان، ستمدیده، این دیار زندگی می‌کنند، به کمک آنان می‌سازند و در آستانه جز خودبخودی را در اختیار با کس زلزله‌زده‌ایس مناطق می‌گذارد. گروه‌های انحراف طلب روحانی نیز اکنون فرصتی یافته‌اند تا در پی راه این کمک‌های محسوس و روحانی برای خود دست آورده و چنین وانمود کنند که فقط به برگ کمک‌های آنهاست که روستایان مدیون زلزله و آوارگی می‌شوند. توانمند زندگی کنند و به حیات سرشار مشغول خود را بدهند. آنان برای اسکناس کمک‌ها و تلافی‌های زحمتکشان و شروها را با زبان سبزی و مترقی و انقلابی را در کمک بدهند. - - - - - مسیبت‌دیده خود را به خود تمام کنند و بگویند که این شروها با روستایان تماس بگیرند و بنیوه‌آنها مهربانی اعلام میکنند که لزومی ندارد افراد و گروه‌ها به این روستاها بیرون بفرستند آنها را و ادا روستا زندگی کمک‌های خود را حساب بانکی انحراف‌آنها بریزند. کاری را که رژیم حاکم پس از قیام در منطقه زلزله‌زده طیار انجام داده و توسط کمیته‌ها مانع از کمک‌های انسانی و تماس با توده‌های زحمتکش گردیده است، در اینجا تکرار می‌کند. و این نشانه خط و سیاه واحد اوست. ولی زحمتکشان این مناطق بد رستی میدانند که با آنها مرفرهای جسم سطحی نمی‌شود. مسائل در دست‌کشان را حل نمود و اینان نمی‌توانند راه حل اصولی در از دست برای مسائل زحمتکشان مناطق زلزله‌زده را قیام ممکن، آب و سیر و بهداشت و... داشته باشند. با شد. رژیم حاکم پس از ماه‌ها کمیت تاکنون نشان داده است که نه میخواهد هزینه بینوا را به سخی به خواستهای توده‌های ستمدیده میهن بدهد. بلکه برعکس در همه جا در کنار زمین - داران و سرمایه‌داران به سرکوب اعتراضات بحق زحمتکشان حتی در جوشی ترین خواستهای صنفی پرداخته است.

زلزله هشتده پیش در خراسان در شرایطی اتفاق می‌افتاد که هر روز خلاقهای میهن ما بنیتر به این واقعیت آگاه میشوند که تنها هنگامیکه سرمایه‌داری وابسته در کشور ما

زلزله‌ای که با مداد روجیها رتبه ۲۳ آبان جنوب خراسان را لرزاند و مدها را در هموطنان ما را با یکم خود کشید که در یکسر و انصب در مساک زندگی زحمتکشان ما بوسه روستایان را بر سر روی حلقه‌ای ایران قرار داد. کنه شدن جمع کثیری از هموطنان ما هر - چنگاه بر اثر زلزله شد یک "تلاش آسانی" و با "تلاش" بلکه دنیایک واقعیت اجتماعی است که با پیسی علل و عوامل آن را در درون روابط حاکم سرحا مده جستجو کرد، چرا که تبلیح جنس و قبا سی در سراسر ار کشور های جهان انسانی می‌افند و کمتر آسانی سار می - آورد. در حالیکه یک لری خفیف زمین در کشور های عتب ما نهادهای نظیر کشور ما کافسی است که مدها و هزاران نفر از زحمتکشان را به نابودی بکشاند. زندگی کردن میلیونها زحمتکشان روستایی در خانه‌هایی که از خشت و گل ساخته شده، نبودن کمترین امکانات رفاهی و درمانی و غیره در روستاها، انکار روستایان به در آمدن چیزی که از تولید کسار و رزی و سافروش آزاران قیمت نیروی کار همه و همه واقعیتی است که زندگی کثیرا البده ترین بخش زحمتکشان کشور ما را ترسم میکند. اینها همه و همه محصول حاکمیت سرمایه‌داری وابسته و استثمار بر سرحا نه دسترنج و نیروی کار زحمت - کشان است. نمونی سرمایه‌داری روز میس دار بر رک و امیربالیستی‌های خیا نخواهد در کشور ما می‌باشد. در چها روجوب اقتصادی که در آن ما لکم خصوصی ما را شمرده می‌تواند و توده‌های کثیر خلق در سراسر زندگی منتظر با خود با کار زحمت خویش محض کارشان را به حجب عده‌ای مانت جور و غارتگر بریزند و خود در عقب مانده ترین و در دستا کترین شرایط زندگی کنند، اتفاق افتاد چنین وقایعی، که در آن، ناگهان در عرض چند ثانیه مدها و هزاران نفر زندگی و با هستی نا چیز خود

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

کدام را باور کنیم: دم خروس یا...؟!!

۹ ماه از سقوط سلطنت منکدر و توده‌ها مدام خواستار اقدام عملی وحدی علیه امپریالیسم آمریکا بوده و هستند.

۹ ماه است کمونیستها و نیروهای مترقی و صدامیرالسمت فریاد میزنند: دشمن اصلی حلقهای ما، آمریکا است و «مصرانه» میخواهد که فرارادهای ما را سرنگانی، اقتصاد و سیاسی ایران و آمریکا لغو شود.

۹ ماه است که کمونیستها و نیروهای مترقی و صدامیرالسمت خواستار آنست که اسرائیل و آمریکا، اسرائیل و ساوا کافشان شود.

۹ ماه است که کارگران مبارزمیهن ما فریاد میزنند: «علت سیکاری ما سرمایه داری و استهلاست»...

اما میوه چنان انقلاب تمام تلاش خود، تمام حمله ها و عوا میرساند که در این کشور در این مبارزه را از امپریالیسم آمریکا منحرف کرده متوجه کمونیستها و نیروهای مترقی سازند و در این راه از وضعی ترین سهمتها هم خودداری نکردند:

۱- خاوس خانه آمریکا را فردای بعد از تمام در کف حمایت خویش گرفتند و فرستاد ماه آزار بر نظر «کمیت» سفارت آمریکا که هر روز هم معلوم نیست با چه چمق می بوده فرار داد و پیرونده های ناسوسی را طی ۶ ماه به خاها «اس» منتقل کردند.

۲- فراردهای نظامی و حتی کاسینولاسون را ماهها دست نخورده بگذاشتند و سرانجام تحت فشار بوده ها مجبور به لغو آنها شدند.

۳- آنقدر در خدمت آمریکا و در سرکوب نیروهای صدامیرالسمت آمریکا با حال راحت موافقت خود را برای تحویل ۲/۵ میلیون دلار اسلحه به آنان اعلام کردند و بدون توجه به خشم شدید توده های قهرمان ایران، شاه حاکم را راه آمریکا برد.

این سیاستی ۹ ماهه سوسله رژیم «ولایت فقه» عملی شده و کثرتزدی مسئول مستقیم این حیاسنها، اکنون اعلام می دارد که:

«به خدمت ما که رسیدم این را یکدک کرده ام من حیاس مسئولی دانستم و وراثت امور خارج که بعنوان ورثه، چندی در اینجا خدمت کردم مورد انتقاد ایشان است. امام خمینی در این ملاقات تاکید کرده که فعلا اینها و اعدا مات و مومعگیران سیاسی - تبلیغاتی من به عنوان ورثه امور خارج مورد انتقاد بوده و من باید هرگونه فعالیت غیر انسانی را بشد می فرماید.» (روزنامه ساداد ۲۶ آبان)

حالا توده های مستعبد و مافاسیات و مناهدات غرناسل انکار خود را باور کنند یا غفلت - نشینی آقایان را بحساب خدا میرالسمت واقعی بستان بگذارند؟ تکی نیست که توده ها آنقدر برخاسته ای اصولی و خدش پذیر خود در مبارزه سیاسی امام علیه امپریالیسم آمریکا با فشاری خواهند کرد تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق رفتارندم کذائی را تحریم می کنیم!

از آنجا که هیئت حاکمه وعده و وعید خود را در مورد تشکیل مجلس موسسان زیر پا گذاشت و بجای آن مجلس «خبرگان» را با آن وضع درست گردتا مانع از شرکت نیروهای انقلابی در این مجلس گردد، از آنجا که این مجلس با تصویب اصل «ولایت فقیه» حاکمیت خلق را بر سرش خویش زیر پا گذاشته است، از آنجا که این مجلس، سرمایه داری را بر رسمیت شناخته است، از آنجا که این مجلس آزادیهای دموکراتیک را تحت لوای مذهب (شیعه) پایمال کرده است، از آنجا که این مجلس حقوق مسلم زحمتکش را زیر پا گذاشته است، ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق رفتارندم کذائی را تحریم می کنیم.

بنی نجاریان با اشاره به حوادث پاسبگاه های میب، و «اسپکه»، گفت: در ابتدای مسئولیت خود در این استان، موضوع جمع آوری سلاح را با فرمانده ژاندارمری در میان گذاشتیم و گفتیم که اینکار اشتباه بوده و باید سلاحها پس گرفته شود، ولی متأسفانه تاکنون بطور قاطع اینکار صورت نگرفته و باز کنیا از ژاندارمری خواستیم که اسلحه ها جمع آوری شوند و اخیرا اقداماتی شده و تعدادی از خوانین دست دوم و سوم اسلحه ها را مسترد داشته اند اما هنوز بیش از نیمی از سلاح های توزیع شده مسترد نشده است.

آیا این فقط یک «اشتباه» است؟

جرم کمونیستها حقیقت گوئی و عاقبت بینی آنهاست

آوی «جرم» کمونیستها این است که بسا تحلیل علمی خود از تحولات جامعه، حقیقت و عاقبت قضا را با می بینند و به توده ها، آگاه های می دهند، سرمایه داران و نیروهای مترجع این «جرم» را با ردیالنه ترس سهمتها با سخ مدهند و توده های ساکاه را علیه کمونیستها بسج می کنند و به خفه کردن صدا و کشتار، آنان را شهید می نمایند، اما واقعات از هر قدرتی سر و صد تراست و روز بروز برینتر صحت بطور کمونیستها را - حتی از زبان مخالفین خود، از زبان قدرت حاکم - درک می کنند. به ایسر «نت نمونه خروار» توجه کنید:

در بیکار ۲۶ مورخه ۳۰ مهر تحت عنوان: امام خمینی به محمد میرالاناری نامه داد، «حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای (که از اعضای رهبری حزب جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب هم هیئت) در صافرت خود به بلوچستان بجای تماس با مردم بلوچ با عوامیل ارتجاع محلی یعنی خاها و سردارها و مولوی - های سر بزرده رژیم فقلی تماس میگیرد و از جناح برپا را این صافرت بود که دولت به اصطلاح انقلابی! مستقیم به تحویل اسلحه به خوانین برای حفظ امنیت مناطق زیر نفوذشان گرفت و در این رابطه بود که بخوانین سر برده میظف از جمله کوسم بخش سعیدی و... به هر کدام ۶۰ تا ۱۰۰ فسخه اسلحه از ظرف سرگرد صافتی فرمانده هنگ ژاندارمری ایرانشهر تحویل میشود...»

حالا به روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان توجه کنید:

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان:

توزیع اسلحه بین خوانین اشتباه بود

توزیع اسلحه بین خوانین

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان از توزیع اسلحه بین خوانین زیر پوشش حفظ امنیت منطقه انتقاد کرد و گفت: پس از پیروزی انقلاب که این سلاحها دست آنهاست، نه تنها امنیت منطقه حفظ نکردند، بلکه گراا با همین سلاحها علیه انقلاب نیز توطئه کردند.

در رفتارندم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!